

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جامعه‌شناسی سیاسی (Political Sociology)

مهدی کاظمی زمهریر

دانشگاه مفید (۱۳۹۶.۱)

اهداف و نحوه اداره کلاس

(1) هدف کلاس:

هدف اصلی در تدریس کلاسی، فهم قدرت در زمینه اجتماعی است.

برای رسیدن به این هدف، از بحث و مطالعه گروهی، سمینار و تحقیق کلاسی استفاده خواهد شد.

(2) مدت و نحوه حضور در کلاس:

۵ دقیقه بعد از حضور استاد، حضور و غیاب انجام می شود.

کلاس از دو بخش نظریه ها و مفاهیم و کاربردها برخوردار است.

قسمت اول: بخش نظریه ها، از ساعت ۱۰ الی ۱۱/۱۵ تشکیل می شود.

قسمت دوم: ۱۱/۱۵ الی ۱۱/۳۰ وقت استراحت است.

قسمت سوم: مفاهیم و کاربردها، از ساعت ۱۱/۳۰ الی ۱۲/۳۰ تشکیل می شود.

منبع بخش نظریه ها، کتاب دکتر بشیریه است؛ منبع بخش مفاهیم و کاربردها، کتاب مبانی جامعه شناسی سیاسی دورماگن است.

برای جلوگیری از بی نظمی در کلاس، از صحبت کردن و رفت و آمد غیرضروری خوداری کنید.

آوردن مهمان به کلاس تنها با اجازه استاد مجاز است.

فهرست مطالب

- (1) چیستی جامعه شناسی : تعریف، پیشینه، روشی و ...
- (2) سرچشمه های نظریه های جامعه شناسی
- (3) نظریه های جامعه شناسی سیاسی
 - جامعه شناسی سیاسی مارکس
 - جامعه شناسی سیاسی وبر
 - پلورالیسم و نخبه گرایی
 - دورکیم و کارکرد گرایی
- (4) کاربرد جامعه شناسی برای تحلیل موضوعات

منابع

(1) منبع اصلی

- جامعه شناسی سیاسی // حسین بشریه
- مبانی جامعه شناسی سیاسی / دور ماگن / انتشارات آگه
- جزوه کلاسی

(2) منابع کمکی

- جامعه شناسی سیاسی / صبوری
- درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی / احمد نقیب زاده
- سیاست و حکومت / مایکل راش
- راهنمای جامعه شناسی سیاسی / کیت نش و آلن اسکات
- جامعه شناسی سیاسی معاصر / کیت نش

جدول فعالیت های کلاسی

نمره	عنوان فعالیت علمی	تاریخ
۸	میان ترم	اصلی
۱۰	پایان ترم	
۲	مشارکت در مباحث کلاسی و حضور منظم	
۳	سمینار نظریه ها و مسائل	انتخابی

امتحان میان ترم و پایان ترم

- (1) شرکت در امتحان میان ترم :
 - شامل مباحث کتاب دکتر بشیریه از ابتداء تا انتهای نظریه مارکس بعلاوه مباحث کتاب مبانی جامعه شناسی سیاسی دورماگن از ابتداء تا انتهای فصل پنجم است.
 - سوال های امتحانی از کتاب بشیریه تشریحی و سوال های کتاب دورماگن، تستی است.
- (2) شرکت در امتحان پایان ترم :
 - شامل مباحث کتاب دکتر بشیریه از نظریه ماکس وبر تا انتهای نظریه کارکرد گرایی بعلاوه مباحث کتاب مبانی جامعه شناسی سیاسی دورماگن از فصول (شهروندان، احزاب سیاسی، حرفه ای شدن سیاست، جنبش های اجتماعی و عمل دولت) است.
- (3) سوال های امتحانی از کتاب بشیریه تشریحی و سوال های کتاب دورماگن، تستی است.

تذکر: از دانشجویان نیمه حضوری در امتحان میان ترم شرکت نکرده اند، در پایان ترم امتحان گرفته خواهد شد.

بخش اول

چستی جامعه شناسی سیاسی

فهرست مطالب جلسه اول

- (1) تعریف جامعه شناسی سیاسی
- (2) پیشینه جامعه شناسی سیاسی
- (3) شرایط امکان جامعه شناسی سیاسی
- (4) روش تحلیل جامعه شناختی
- (5) جریان های عمده جامعه شناسی سیاسی
- (6) موضوع و پرسش های مهم سازنده جریان های اصلی
- (7) مقایسه جامعه شناسی سیاسی با سایر رشته های علمی (علم سیاست، فلسفه سیاسی، حقوق، تاریخ و اقتصاد)

پرسش ها

جامعه شناسی سیاسی چیست؟

تعریف جامعه شناسی سیاسی (دور ماگن – موشار)

1. جامعه شناسی سیاسی یک علم اجتماعی است.
2. یک رشته دانشگاهی است که می خواهد بر پایه موازین علمی، عملکرد سیاسی جامعه ها را بفهمد. (دور ماگن، ۱۳)

□ منبع: جامعه شناسی سیاسی، ژان-ایو دورماگن، دانیل موشار، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران آگه، ۱۳۸۹.

تعریف جامعه شناسی سیاسی (حسین بشیریه)

1. موضوع اصلی جامعه شناسی سیاسی بررسی روابط متقابل میان قدرت دولتی و نیروها اجتماعی است. (۱۳)
2. هدف جامعه شناسی سیاسی : **بررسی چهره خصوصی دولت و رابطه قدرت دولتی با منافع گروه ها و نیرو های اجتماعی است.** (۱۴)
3. زندگی سیاسی مجموعه روابط پویایی است که میان اجزاء جامعه برقرار است. (۱۴)
4. بررسی روابط میان ساخت اقتصادی، ساخت اجتماعی و ساخت سیاسی موضوع اصلی جامعه شناسی سیاسی است. (۱۴)

□ منبع: جامعه شناسی سیاسی / حسین بشیریه

تعریف جامعه‌شناسی سیاسی (منوچهر صبوری)

1. جامعه‌شناسی سیاسی، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که درباره قدرت‌های اجتماعی بحث می‌کند. (صبوری، ۱۱)
2. سیاست به گونه‌ای گریز ناپذیر ریشه در جامعه دارد. (فرض) (صبوری، ۱۱)
3. جامعه‌شناسی سیاسی، نهاد‌های سیاسی را در رابطه با جامعه و به عنوان بخش از نظام اجتماعی بررسی می‌کند.

□ منبع: جامعه‌شناسی سیاسی، منوچهر صبوری کاشانی، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

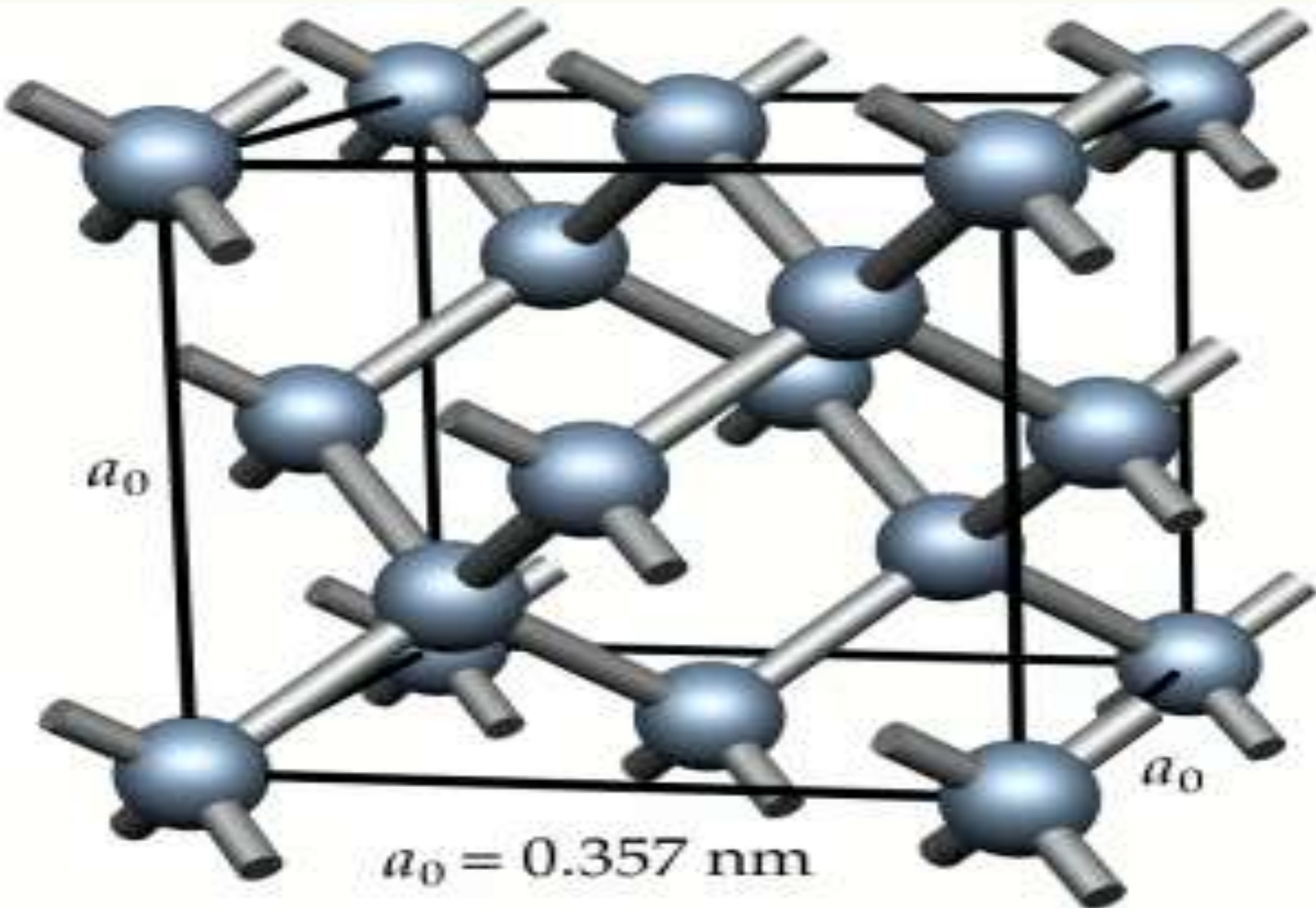
تعریف جامعه شناسی سیاسی (تام باتامور)

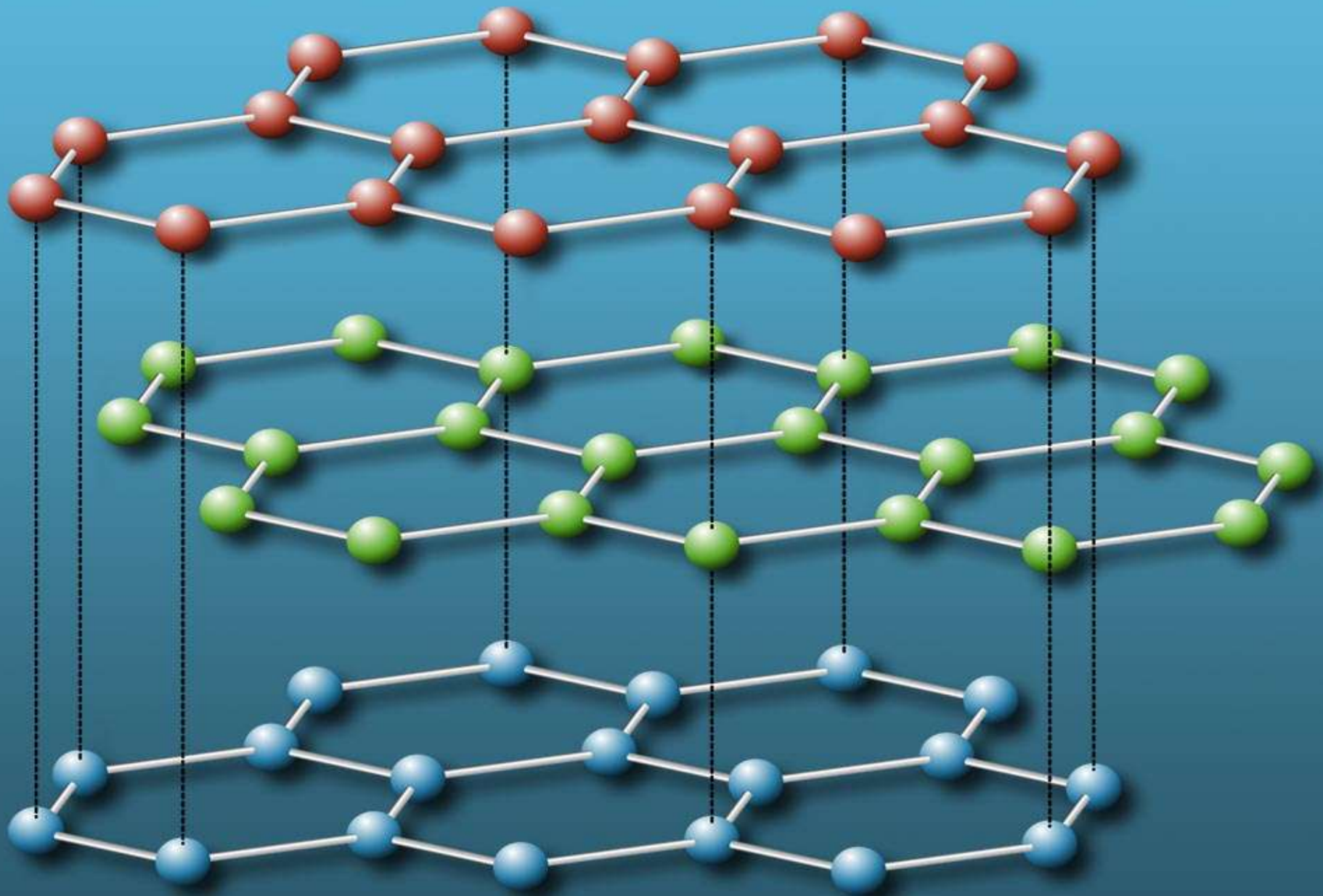
1. مضمون جامعه شناسی سیاسی بررسی قدرت در زمینه اجتماعی است.

□ منبع: جامعه شناسی سیاسی، تام باتامور، ترجمه محمد حریری اکبری، نشر قطره، ۱۳۸۰.

پرسش ها

چه برداشت هایی از قدرت وجود دارد؟







دو تعریف از قدرت

تعریف قدرت

(A) قدرتی بر (B) اعمال می کند یعنی (B) را به انجام عملی وادار می کند که در غیر اینصورت او آن را انجام نمی داد.

در مفهوم قدرت دو عنصر فشار (توانایی تحمیل اراده) و مشروعیت (به رسمیت شناختن) وجود دارد

برداشت نهادی از قدرت

قدرت همان حاکمان هستند. یعنی آن هایی که مقام های رسمی قدرت را اشغال کرده اند.

برداشت رابطه ای از قدرت

قدرت به عنوان رابطه میان افراد یا گروه ها، و نه فقط به عنوان واقعیت نهادی یا حقوقی.

پرسش ها

چگونه دانشی به نام جامعه شناسی سیاسی ممکن شد؟

پیشینه جامعه‌شناسی سیاسی

پیشینه (قدیم):

اگر جامعه‌شناسی مساوی است با توضیح و تبیین پدیده‌ها و رفتارها و ساخت‌های سیاسی به وسیله عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی،

آنگاه، سابقه جامعه‌شناسی سیاسی به افلاطون و ارسطو می‌رسد. (۱۷)

پیشینه جدید

در قرن ۱۹ است.

تحت تاثیر مکتب اثبات‌گرایی (positivism)

ایجاد علاقه برای تاسیس علم جامعه و سیاست

شرایط امکان جامعه شناسی سیاسی

- گذار از تصور دولت به مثابه نهاد معطوف به خیر عمومی.
- پدیدار شدن اثبات گرایی.

گذار از دولت به مثابه نهاد معطوف به خیر عمومی

← تفاوت برداشت از دولت نقطه آغاز جامعه‌شناسی سیاسی

← فلسفه سیاسی: دولت نهاد معطوف به خیر عمومی است.

← جامعه‌شناسی سیاسی ← در خصلت عمومی دولت مدرن تردید کرد. ← تلاش
برای فهم رابطه میان اقتدار سیاسی و قدرت دولتی با منافع و علایق حکام.

← پرسش فلسفه سیاسی ← بهترین نوع رابطه میان دولت و جامعه چیست؟

میان دولت و جامعه چه رابطه‌ای باید باشد؟

← پرسش جامعه‌شناسی سیاسی: چه نوع رابطه‌ای میان دولت و جامعه در واقع
وجود دارد؟

I'M FROM THE
GOVERNMENT,
I'M HERE
TO HELP



پدیدار شدن اثبات گرایی

پرسش ها

روش تحلیل جامعه شناختی چه ویژگی دارد؟

روش تحلیل جامعه شناختی

۱. هدف علوم اجتماعی ← تبیین امر اجتماعی با امر اجتماعی

← مثال: بررسی خاستگاه ترجیحات رای دهندگان در ساختارهای

اجتماعی، در سازمان گروه‌های اجتماعی، در هنجارها و قواعد رفتار معتبر در

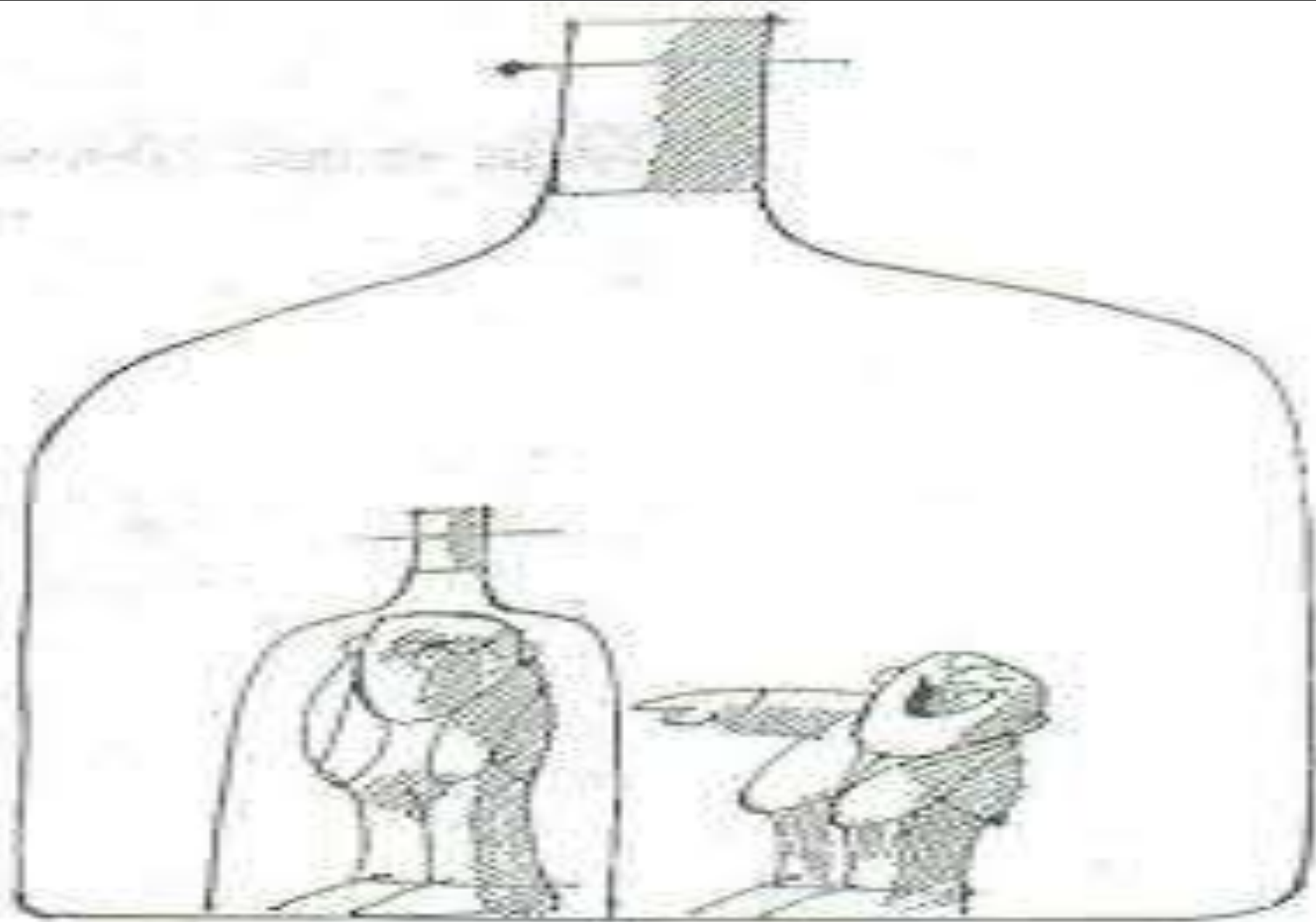
درون این گروه‌ها؛ دور ماگن /ص ۱۵

۲. دو شرط تبیین امر اجتماعی با امر اجتماعی ←

← امر اجتماعی از علیت‌ها تبعیت می‌کند.

← این علت‌ها در خود جامعه حضور دارند. (ص ۱۶)

دورماگن)





سه روش اصلی در تحلیل جامعه شناختی: کل گرایی، فردگرایی و تلفیقی

□ **کل نگری:** امیل دورکیم و مارکس

□ فرد با روابط و مناسبات اجتماعی اش و نیز با ارزش ها، هنجارها، قواعد و باورهای معتبر در گروه عضو تيمش شناخته می شود.

□ برای تبیین رفتار افراد ابتداء باید ویژگی های عضویتشان را شناخت.

□ از نگاه روش شناختی، گروه بر فرد تقدم دارد. (ص ۱۶/ دور ماگن)

□ **فرد گرایی:** ماکس وبر

□ در تحلیل جامعه شناختی تقدم از آن فرد است نه گروه یا جامعه

□ جامعه نیست که فرد را تولید می کنند بلکه این فرد است که جامعه را تولید میکند (ص ۱۶-۱۷/ دور ماگن)

□ جامعه حاصل جمع رفتارهای فردی است، و این تجمع نگرش ها، انتخاب ها، راهبردهای فردی است که پدیده های اجتماعی را تولید می کند.

سه روش اصلی در تحلیل جامعه شناختی: کل گرایی ، فردگرایی و تلفیقی

□ رویکرد تلفیقی: گیدنز و بوردیو

□ جمع میان کل گرایی روش شناختی و فردگرایی روش شناختی

□ ترکیب این دو بینش و اثبات برهم کنش های پایدارشان برای فهمیدن پدیده های اجتماعی بسیار اساسی است.

پرسش ها

**رویکردهای اصلی نظری در جامعه شناسی سیاسی
کدامند؟**

رویکرد های اصلی نظر در جامعه شناسی سیاسی : موضوع و پرسش ها

□ رویکرد مارکس :

- توجه به روابط میان طبقه و سیاست
- انسان و جامعه چگونه ساخته می شوند؟
- تا چه اندازه منافع طبقاتی بورژوازی، یعنی صاحبان وسایل تولید در جامعه سرمایه داری ، ماهیت دولت را تعیین می کند؟
- و تا چه اندازه سیاستمداران و بوروکرات ها کنترل مستقل بر تنظیم روابط اجتماعی را دارند؟ (ص ۱۷، صبوری)

□ رویکرد وبری

- تا اندازه ای به استقلال دولت از منافع اجتماعی و اقتصادی گروه های اجتماعی قائل هستند. (ص ۱۷، صبوری)
- چگونه منافع طبقاتی توسط احزاب سیاسی عمده در فرآیند سیاسی نمایندگی می شود؟
- باور به مشروعیت اقتدار سیاسی چگونه ساخته می شود؟
- چگونه دولت مدرن مشروعیت پیدا می کند و مشروعیت خود را حفظ می کند؟
- عملکرد واقعی دموکراسی چگونه است؟ (ص ۱۸-۱۷، صبوری)

پرسش ها

چه تمایزی میان جامعه شناسی سیاسی از سایر گرایش های دانش سیاسی وجود دارد؟

تفاوت جامعه‌شناسی سیاسی از سایر رشته‌ها

□ تفاوت از فلسفه سیاسی:

□ فلسفه سیاسی در جستجوی بهترین رژیم سیاسی است، اما جامعه‌شناسی سیاسی هدف
هنجاری ندارد (ص ۱۳/دورماگن)

□ تفاوت از حقوق:

□ تلاش حقوق برای تفکیک امر قانونی از غیر قانونی

□ در جستجوی قانون مند کردن عملکرد قدرت سیاسی است. (ص ۱۳/دورماگن)

□ جامعه‌شناسی سیاسی در جستجوی فهم شیوه عملکرد نظام‌های
سیاسی است.

□ امکان تعامل میان حقوق و جامعه‌شناسی سیاسی (ص ۱۴/دورماگن)

□ تاریخ: روی گذشته متمرکز است.

تفاوت علم سیاست از جامعه شناسی سیاسی

□ علم سیاست:

- به دنبال روابطی است که در همه جا و همه اعصار ثابت باشد. (ص ۳/نقیب زاده)
- مطالعه نقش حکومت یعنی حفظ نظم است.
- مطالعه کارکرد حکومت در جامعه است (صبوری/ص ۱۷)

□ جامعه شناسی سیاسی:

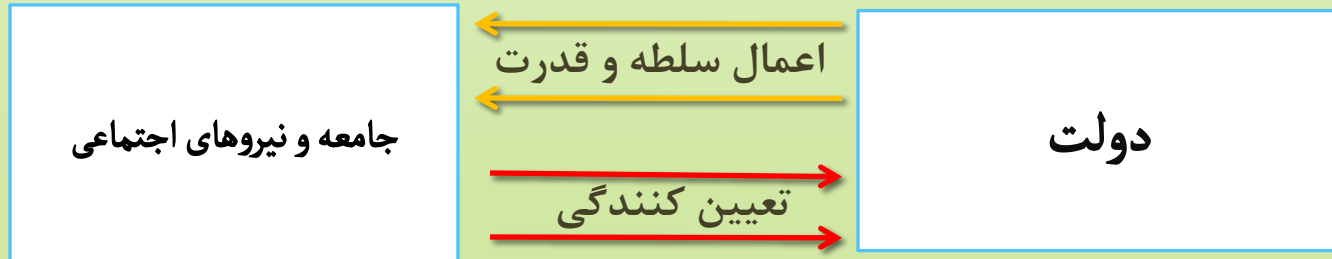
- ضرورت بررسی پدیده های سیاسی در زمینه اجتماعی
- گذر از جهان شمولی
- توجه به پویایی اجتماعی و توجه به دگرگونی ها (ص ۳) (احمد نقیب زاده)

تفاوت میان جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست (بشیریه)

جامعه‌شناسی ← تاکید بر جامعه + از پایین به بالا
تأثیرات جامعه بر سیاست

علم سیاست ← بررسی ساختار قدرت و فرآیند سیاست و تصمیم‌گیری
و تأثیر آن بر روابط اجتماعی (تمرکز بر نهادها)

(حوزه علوم سیاسی)



(حوزه جامعه‌شناسی سیاسی)

خلاصه بحث

**موضوع اصلی، تعریف و پرسش های
جامعه شناسی سیاسی**

جامعه‌شناسی سیاسی: موضوع، تعریف و پرسش‌های سازنده

موضوع اصلی:

- دولت (state) یعنی: مناسبات میان افراد از حیث رابطه حکم و اطاعت;
- بررسی مناسبات اقتدار آمیز در سطح جامعه.

تعریف:

- جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی سازمان اجتماعی قدرت (رابطه حکم و اطاعت) است.
- جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی مناسبات میان افراد جامعه از حیث رابطه حکم و اطاعت، و تاثیر آن بر سرشت و مناسبات درونی سازمان قدرت (حکومت) است.

پرسش‌های سازنده:

- انسان و جامعه چگونه ساخته می‌شوند؟
- چه الگوهایی از رابطه حکم و اطاعت در جوامع مختلف پدیدار شده است؟
- چرا الگوی خاصی از مناسبات اقتدار آمیز (رابطه حکم و اطاعت) در میان افراد جامعه پدیدار شده است؟
- نوع الگوی مناسبات اقتدار آمیز در سطح جامعه، چه تاثیری بر سرشت سازمان قدرت (حکومت) دارد؟

شجره نامه علمی جامعه شناسی سیاسی و سرچشمه های آن

پرسش ها

اثبات گرایی چه تاثیر بر جامعه شناسی سیاسی داشته است؟

اثبات گرایی در علوم اجتماعی

1. اثبات گرایی در علوم اجتماعی :

- ❖ کاریست روش شناسی علوم تجربی و طبیعی در حوزه جامعه و دولت
- ❖ مبدأ در آثار سن سیمون (تلاش برای ایجاد علم اثباتی در حوزه سیاست و جامعه) و آگوست کنت

2. مشخصات علم اثباتی:

- ❖ معتقد به وحدت روش علوم
- ❖ اعتبار احکام آن مبتنی بر شواهد عینی و تجربی
- ❖ در جستجو تأسیس «فیزیک اجتماعی»
- ❖ کشف قوانین تغییر ناپذیر ترقی انسان در طی تاریخ
- ❖ وحدت روش، ریشه در وحدت موضوع (پدیدارهای اجتماعی هم مانند پدیده های طبیعی، خارجی، عینی و تجربی هستند).

تأثیر علم اثباتی در فهم پدیدارهای سیاسی

- تمرکز بر «رفتار» مشاهده پذیر انسان
- توجه مطالعات سیاسی بر گردآوری داده ها، مشاهده، اندازه گیری، طبقه بندی و سایر روش های کمی برای شناخت پدیده های اجتماعی و سیاسی
- نفی روش های تجویزی و فلسفی و ارزش گذارانه و تأکید بر وحدت موضوع علوم
- علم سیاست و جامعه = مطالعه رفتار گروهی
- گرایش کارکردگرایی، سیستمی و سیبرنتیکی تحت تاثیر اثبات گرایی
- موضوعات مورد علاقه پژوهشگران اثبات گرا در حوزه سیاست و جامعه شناسی
 - بحث تجربی از قدرت سیاسی و مبانی و روش های اعمال آن
 - مطالعه رفتار سیاسی رأی دهندگان
 - مطالعات انتخابات و دلایل گرایش های ایدئولوژیک در رفتار سیاسی
 - گروه های فشار و رفتار احزاب سیاسی
 - افکار عمومی و انتخابات

نقد ها به اثبات گرایی

- محافظه کارانه است.(توجه به وضع موجود دارند.)
- جدا کردن موضوعات از متن کلیت آنها
- بی توجهی به محیط ارزشی موثر بر پدیده ها
- ناتوان از فهم تعارض، تضاد، بحران و گسست.(فاقد پویایی است.)

پرسش ها

مارکسیسم چه دریافتی از جامعه شناسی سیاسی
را ممکن کرد؟

تصور مارکسیستی از جامعه چه تمایز با تصور
جامعه شناسی اثباتی دارد؟





مارکسیسم: دومین منبع عهده جامعه شناسی سیاسی

❑ نگرش آگوست کنتی به جامعه

❑ ایستا

❑ نادیده انگاری منازعه اجتماعی

❑ تمرکز مارکس بر کشمکش گروه ها و طبقات اجتماعی

❑ در جستجوی ریشه های دولت در درون جامعه و طبقات اجتماعی

❑ در جستجوی تاسیس اقتصاد سیاسی یا جامعه شناسی سیاسی

❑ مارکسیسم در جستجو تبیین حرکت و پویایی کلیت اجتماعی و روابط پیچیده میان نیروهای تولیدی و روابط تولیدی و آگاهی و ایدئولوژی بود.

❑ واقعیت اجتماعی امر پر تناقض، منقطع و در حال دگرگونی، فقدان ثبات نهایی، امکان استفاده از آیین اصالت اثبات برای فهم آن.

❑ روش تحلیل جامعه شناسی سیاسی مارکسیستی:

❑ شناسایی منافع طبقاتی (اصلی) و منازعه های میان آنها

❑ جایگاه دولت در منازعه طبقاتی و تأثیر منازعات بر سرعت دولت (ص ۳۸-۳۹)

پرسش ها

وجه تمایز مکتب علوم فرهنگی از مکتب اثباتی در حوزه جامعه شناسی چیست؟

از منظر مکتب علوم فرهنگی، هدف اساسی جامعه شناسی چه چیزی است؟



Launched into orbit by



Elderly in d

WALKING WITH A DOG



WALKING WITH A CHILD



مکتب علوم فرهنگی و نقد اثبات گرایی

□ مکتب علوم فرهنگی سومین سرچشمه فکری جامعه شناسی سیاسی

□ منتقد اثبات گرایی

- نفی ایده وحدت روش علوم - علم تنها به علوم اثباتی محدود نمی شود.
- بجای وحدت علوم از دوگانگی علوم صحبت می کنند. (تمایز علوم طبیعی از علوم اجتماعی)
- موضوع علوم اجتماعی: روحانی یا فرهنگی.

□ طبقه بندی علوم از نظر دیلتای: (۳نوع پدیده و ۳ نوع علم)

- پدیده های طبیعی (موضوع علوم طبیعی)
- حالات و فرآیندهای روانی فرد (موضوع علم روان شناسی)
- پدیده های روحانی (زبان، فرهنگ، ادبیات و هم نهادهای اجتماعی) (موضوع علوم روحی یا فرهنگی)

ویژگی علوم فرهنگی: از حیث روش فهم پدیدارها

□ تأکید بر تفاوت زندگی اجتماعی از زندگی طبیعی

□ محوریت معنا

□ جهان اجتماع مشحون از معنا، نظر، تعبیر، اندیشه و نیت و مقصد است.

□ برخلاف طبیعت، جهان اجتماعی، جهانی فی نفس با معناست.

□ عدم امکان بکارگیری روش های علوم تجربی و حوزه علوم اجتماعی

□ روش فهم معنا:

□ فهم معنا از طریق «تفهم» یا «درون فهمی»

□ ماکس وبر و جامعه شناسی تفهمی

□ رفتار اجتماعی حاوی محتوی ذهنی

ماركسيسم (Marxism)



پرسش ها

**مسائل سازنده نظریه اجتماعی مارکس کدام
است؟**

مسائل سازنده تفکر مارکس

- توجه به شرایط مادی زندگی انسان ها و اهمیت اساسی تاریخ
- ریشه یابی چرایی عدم امکان پرورش استعداد های بشری در شرایط تاریخی و اجتماعی مختلف
- توجه به طبقات اجتماعی و روابط منازعه آمیز آنها
- بررسی ماهیت جامعه سرمایه داری برای فهم ریشه های نابرابری و استثمار و سرکوب

پرسش ها

مارکس چه رهیافت تحلیلی را برای فهم
امراجماعی به کار می گیرد؟

رهیافت مارکس برای فهم نظم اجتماعی

- ساختارگرا است.
- به دیالکتیک به مثابه روش شناخت امر اجتماعی توجه دارد.
- از حیث نگرش تاریخی، در جستجوی کشف قوانین عام تاریخ است.
- به انسان واقعی به جای فرد انسانی انتزاعی توجه دارد.
- ایده ها می توانند در خدمت منافع گروهی قدرتمند قرار گیرد.

پرسش ها

**مفروضات اساسی نظریه مارکس درباره
انسان و اجتماع چیست؟**

مفروضات اساسی نظریه مارکس

- انسان همان جهان اجتماعی، دولت و جامعه است. (ص ۳۰)
- انسان ها تنها در ارتباط با یکدیگر اهمیت و معنی می یابند. (ص ۳۰)
- افراد در درون روابط ساختاری و عینی فعالیت می کنند که طبقات اجتماعی آزاد را تشکیل می دهد.
- انسان ها، مخلوقات جامعه هستند.

پرسش ها

انسان و نظم اجتماعی چگونه پدیدار می
شود؟

پدیدار شدن انسان و نظم اجتماعی: رابطه فرد و نظم اجتماعی

□ زندگی انسانی: مساوی است با کار

□ تاریخ و جامعه: مساوی است با کار

□ فرق انسان از حیوان کار است.

□ کار یعنی پراکسیس: ترکیب ذهن و عین (طبیعت)

□ تاریخ و جامعه چیزی جز مجموعه اعمال و کنش ها و کارهای آدمی نیست (ص ۳۰)

□ کار انسان در تاریخ، تولید کننده و سازنده همه اشکال نهادهای تاریخی و اجتماعی (ابزار های تولید، کالاها، نهادها و نظام های اقتصادی) است. (ص ۳۰ / بشریه)

□ بیگانگی انسان از دستاوردهای کار خود؛

تقسیم کار ← عامل ایجاد طبقات و بیگانگی انسان از کار خود

فرد ، نظم اجتماعی و بیگانگی

- از نظر مارکس ماهیت مولد و اجتماعی انسان، بر یک آرمان بشر در اجتماع دلالت دارد: عرصه ای از **آزادی** که در آن افراد بتوانند چنان با طبیعت و بایکدیگر مرتبط گردند که بر آوردن نیازهای بشری آنها ممکن شود، نوعی رضایت خاطر شخصی از طریق مشارکت اجتماعی که جهان را بر حسب نیازهای واقعی بشر، به شکلی عقلانی رهبری کند.
- عمل انسان برخلاف حیوانات مبتنی بر آگاهی است ، اما به تدریج دچار بیگانگی می گردد.
- جامعه با کنش انسانی خلق می شود ولی همچون قدرتی بیرونی و سلطه جو در افراد عمل می کند (بیگانگی بشر نسبت به محصول کنش خود) ؛
- انسان ها بر مالکیت چیزها به جای پرورش استعدادها متمرکز هستند. لذا، اقتصاد (مالکیت ابزار تولید و روابط تولیدی) تعیین کننده ماهیت نظم اجتماعی و سیاسی است.
- ساختار اجتماعی به دو سطح روبنا و زیربنا تقسیم می شود؛ روبنا توسط زیربنا (اقتصاد) تعیین می گردد.
- متناسب با انواع شیوه های تولید، انواع جوامع وجود دارد.

مارکس به روایت مارکس: فرآیند تولید زندگی اجتماعی

□ شیوه ای که انسان ها وسایل معیشت خود را تولید می کنند قبل از هر چیز به ماهیت وسایل واقعی که انسان ها در زندگی به دست می آورند و باید بازتولید شود بستگی دارد. این شیوه تولید، نباید صرفاً به عنوان بازتولید حیات مادی افراد پنداشته شود. بلکه آن شکل معین فعالیت این افراد، شکل معین بیان زندگی آنها و شیوه مشخص زندگی آنهاست. افراد به همان صورتی که هستند، زندگی خود را بیان می کنند. بنابراین، هستی آنها با نوع تولید و هم با شیوه تولید آنها منطبق است. بنابراین، سرشت افراد به شرایط تولید آنها بستگی دارد.

□ تولید هستی ، چه برای خود شخصی از طریق کار و چه برای زندگی تازه از طریق تولید مثل، اکنون رابطه ای دوگانه - طبیعی و اجتماعی - به نظر می رسد. مقصود از رابطه اجتماعی یعنی همکاری چندین فرد، صرف نظر از اینکه این همکاری تحت چه شرایطی ، به چه شیوه ای و با چه هدفی باشد، نتیجه این خواهد بود که همیشه شکل خاصی از تولید یا مرحله صنعتی ، با نوعی خاص از همکاری یا مرحله اجتماعی ، ترکیب می شود و این شیوه همکاری خود یک « نیروی مولد » است.

مارکس به روایت مارکس: در مورد بیگانگی

□ عمل خود بشر به صورت قدرتی بیگانه علیه او در می آید، و به جای اینکه در کنترل او باشد او را برده خویش می کند...

□ وضعیتی که آنچه خود ما تولید می کنیم قدرتی عینی مافوق بر خود ما گردیده، رشدی خارج از کنترل ما داشته، مانع از تحقق انتظارات ما و موجب از بین رفتن نتیجه محاسبات ما می گردد.

جامعه شناسی سیاسی مارکسیستی

پرسش ها

**مارکسیسم چه دریافتی از ماهیت دولت و
نظم سیاسی دارد؟**

رابطه دولت و طبقات اجتماعی

- ❑ ساختار اجتماعی به دو سطح روبنا و زیربنا تقسیم می شود؛ روبنا توسط زیربنا (اقتصاد) تعیین می گردد.
- ❑ متناسب با انواع شیوه های تولید، انواع جوامع وجود دارد.
- ❑ نظم سیاسی انعکاسی از مناسبات حاکم بر حوزه اجتماع و اقتصاد است.
- ❑ دولت و نظم سیاسی روبنایی و ابزار سلطه طبقه مسلط است. (چهره خصوصی دولت)
- ❑ دولت نهادی معطوف به خیر عمومی نیست.
- ❑ قانون گذاری چیز جزء به قالب کلام آوردن خواست مناسبات اقتصادی نیست.
- ❑ کارگزاران دولتی ضرورتاً برخاسته از طبقه مسلط نیستند، اما خدمتگزار طبقه مسلط می باشند.

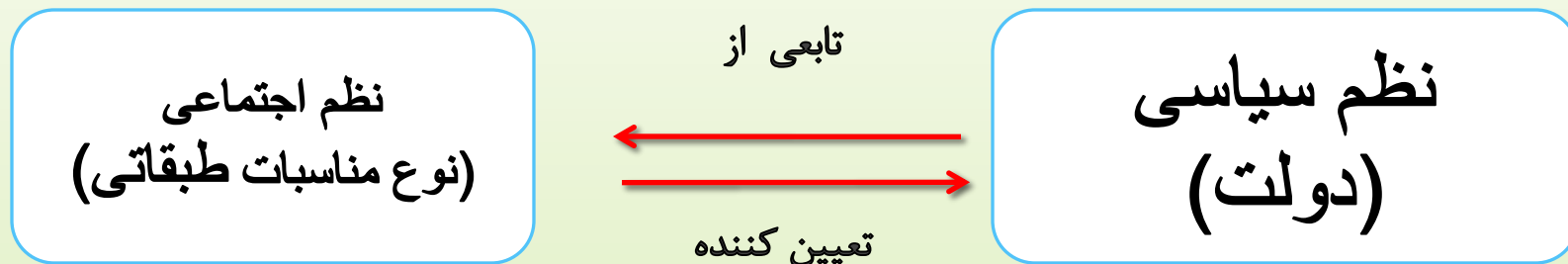
جامعه سرمایه داری و کمونیسم

- جامعه سرمایه داری نظامی اقتصادی و طبقاتی متشکل از سرمایه داران و پرولتاریا است.
- سرمایه داران در جامعه سرمایه داری طبقه مسلط بوده، میان سرمایه داران و پرولتاریا رابطه استثمار و وجود دارد.
- نظم سیاسی آرمانی و برابری سیاسی تنها با انقلاب و محو مالکیت خصوصی ممکن است.
- با توجه به اینکه دولت ابزار طبقه مسلط برای سرکوب طبقات فرودست است، با محو نظام طبقاتی، دیگر نیازی به دولت نیست.
- کمونیسم نظام آرمانی که امکان تحقق قوای کامل انسانی را می دهد.

پرسش ها

الگوری کلی جامعه شناسی سیاسی
مارکسیستی چیست؟

الگوی کلی جامعه شناسی سیاسی مارکسیستی



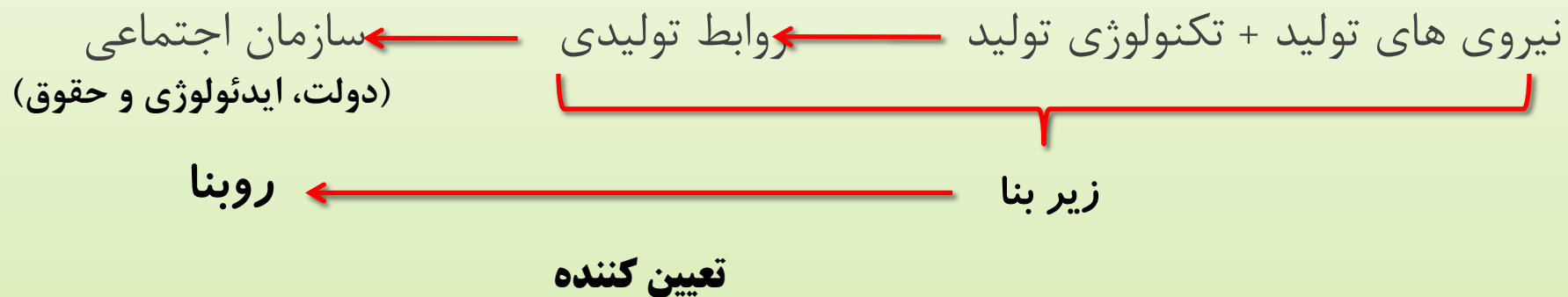
نظم اجتماعی (اقتصادی)

نظم سیاسی (دولت)

پرسش ها

چه پیوندی میان عناصر سازنده نظم
اجتماعی (زیربنا و روبنا) در نظریه
مارکسیستی وجود دارد؟

رابطه زیربنا و روبنا در نظریه مارکسیستی



عناصر سازنده نظم اجتماعی

□ عناصر سازنده نظم اجتماعی

□ زیر بنا: پراکسیس یا عمل نیروهای اجتماعی

□ رو بنا: حوزه دولت یا نظم هنجارین سیاسی

□ زیر بنا: نظم اجتماعی و اقتصادی

□ نیروهای تولیدی + تکنولوژی تولید + روابط تولیدی = اقتصاد

□ در هر دوره ای از تاریخی نوعی رابطه میان نیروهای تولید و تکنولوژی تولید شکل می گیرد که به آن رابطه تولیدی می گوئیم

□ مناسبات برده و ارباب، دهقان و فئودال، کارگر و کارفرما نمونه ای از مناسبات (روابط تولیدی) هستند که زاده نوع تکنولوژی تولید و مناسبات اقتصادی در برهه ای از زمان می باشند.

□ رو بنا: نظم سیاسی

□ نوع مناسبات حاکم بر حوزه سیاست تابعی از روابط تولیدی است

CAPITALISMO



پرسش ها

چه برداشت هایی از رابطه زیربنا و روبنا را
در نظریه مارکسیستی معاصر وجود دارد؟

۳ تعبیر از رابطه زیربنا و روبنا

- تعبیر تعیین کنندگی یک جانبه
- تمثیل دیالکتیکی یا تعیین کنندگی دو جانبه و تعامل زیر بنا و رو بنا
- تعیین کنندگی همه جانبه

□ برداشت یک جانبه از: رابطه زیربنا و روبنا (مارکس)

- اکونومیستی و تقلیل گرا
- اقتصاد، دولت و ایدئولوژی عناصر مجزا و دارای روابط بیرونی با یکدیگر
- اقتصاد یا روابط تولیدی عنصر محرک کل صورت بندی اجتماعی
- تغییر در حوزه اقتصاد باعث تغییرات مشابه در روبنا می شود. (ص ۳۴)
- ابزار گونگی: دولت ابزار سلطه طبقه بالا و وسیله تضمین و تداوم منافع آن تلقی می شود؛ (قوه اجرایی دولت مدرن تنها کمیته ای برای اداره امور عمومی کل بورژوازی است. (ص ۳۹)

□ رابطه دیالکتیکی زیر بنا و روبنا (انگلس)

- روبنا بر زیر بنا تأثیر عملی می گذارد، هر چه زیر بنا محرک اصلی در تاریخ است. (ص ۳۴)
- اشکال سیاسی و حقوقی بر روی مبارزات تاریخی تأثیر می گذارند. (ص ۳۴)
- در رابطه دیالکتیکی زیربنا و روبنا ← زیر بنا نیرومند تر و موثر تر است. (ص ۳۴)

□ تمثیل اندام وارگی زیر بنا و روبنا (آلتوسر)

- زیر بنا و روبنا، اجزائی از یک کل واحد هستند.
- در درون کل، روابط تولیدی جایگاهی تعیین کننده دارند. (ص ۳۵)
- زیربنا و روبنا، دارای روابط درونی هستند
- این ایده تضعیف مفهوم زیر بنا و روبنا (ص ۳۵)

پرسش ها

در نظریه مارکسیستی چه برداشتی از رابطه
دولت و ساخت اقتصادی (طبقات اجتماعی)
وجود دارد؟

۲ تعبیر از رابطه دولت و ساخت اقتصادی (طبقات اجتماعی)

□ ابزار گونگی:

□ دولت ابزار سلطه طبقه بالا و وسیله تضمین و تداوم منافع آن تلقی می شود؛ (قوه اجرایی دولت مدرن تنها کمیته ای برای اداره امور عمومی کل بورژوازی است. (ص ۳۹)

□ نظریه مارکسیستی ارتدوکس (جبرگرایی اقتصادی) باور به این نگرش دارند.

□ استقلال نسبی:

□ دولت دارای درجه ای از استقلال نسبی از طبقه بالا است. (ص ۳۹)

□ زمانی که طبقه مسلط وجود ندارد؛ یا تعادل و توازن طبقاتی وجود دارد (دولت استقلال نسبی پیدا می کند)
(ص ۴۰)

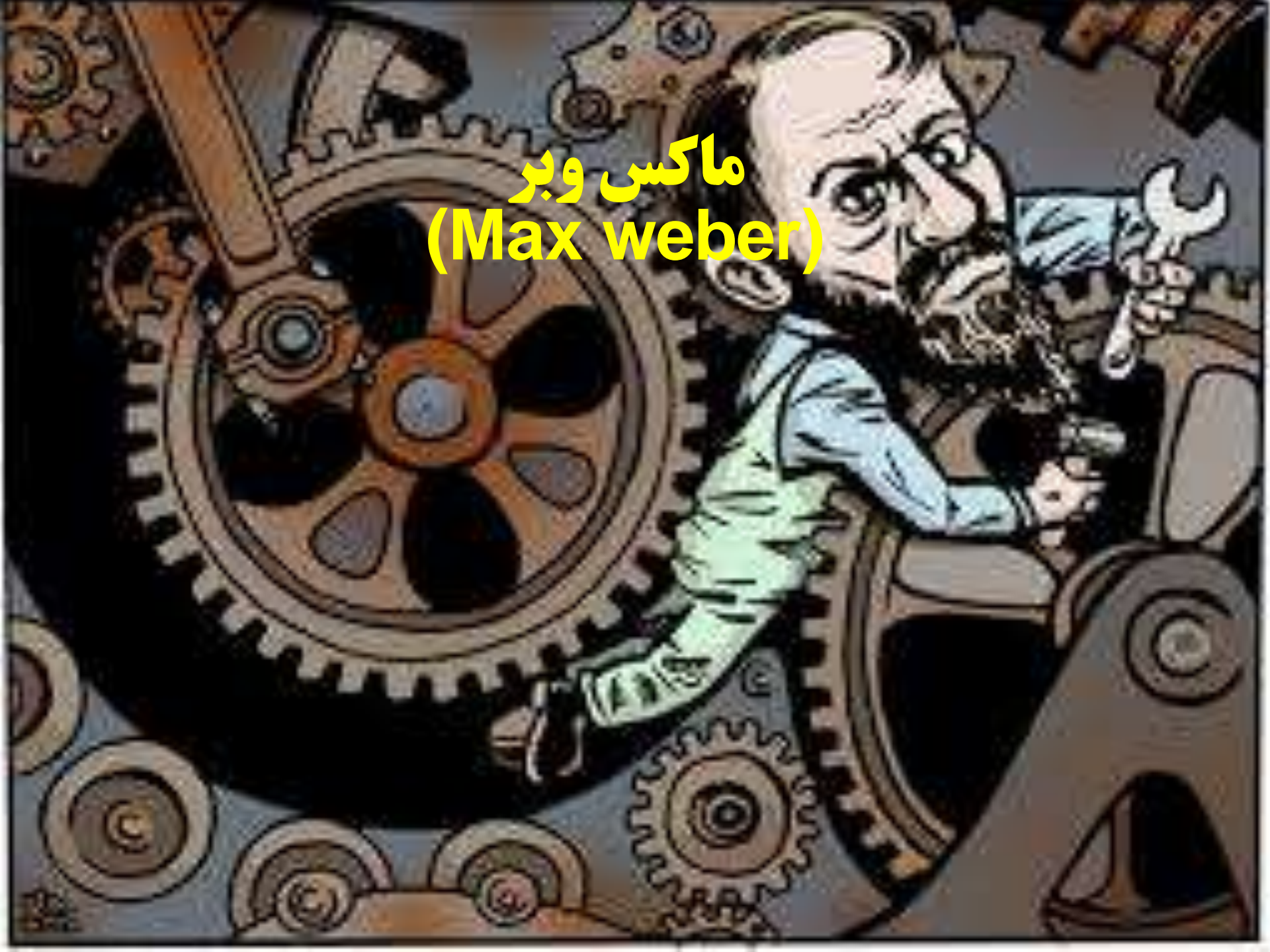
□ افرادی مانند آلتوسر، پولانزاس و کلاس اوفه

چکیده نظریه مارکس: مارکسیسم به روایت مارکس

انسان ها در تولید اجتماعی زندگیشان به ناگزیر درگیر روابط معینی می شوند که مستقل از اراده شان است، به این معنا که، روابط تولیدی با ویژگی های هر مرحله که از تحول نیروهای مادی تولید، تناسب دارد. جامعیت این روابط تولیدی ساختار اقتصادی جامعه و بنیادی واقعی را می سازد که روساختار حقوقی و سیاسی بر آن بنا می شود و به تناسب آن، صورت های معین آگاهی اجتماعی تعیین می گردد. شیوه تولید زندگی مادی، شرایط فراگرد کل زندگی اجتماعی، سیاسی و فکری را تعیین می کند. این آگاهی انسان ها نیست که وجودشان را تعیین می کند، بلکه وجود اجتماعیشان است که آگاهی شان را مشخص می سازد. در مرحله معینی از تحول، نیروهای تولید مادی جامعه با روابط تولیدی موجود یا با روابط مالکیتی که این نیروها تاکنون در چارچوب آنها عمل می کرده اند - این شق دوم تنها همان چیز را از جهت حقوقی بیان می کند - تنازع پیدا می کنند. صورت های تحول نیروهای تولیدی، این روابط را به موانع تولیدی تبدیل می کنند. در این زمان، یک عصر انقلاب اجتماعی پدید می آید. دگرگونی در بنیاد اقتصادی، دیر یا زود کل روساختار جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد.

مارکس، نقل قول از کتاب: نقد اقتصاد سیاسی، ۱۸۵۹

ماکسی وبر
(Max weber)



پرسش ها

**مسائل سازنده نظریه اجتماعی ماکس وبر
کدام است؟**

مسائل سازنده تفکر ماکس وبر

□ تحلیل جامعه شناختی جامعه مدرن و تاثیر روندهای عقلانی شدن جامعه بر حوزه سیاسی

□ تحلیل انواع کنش اجتماعی و رابطه آن با اقتدار سیاسی و مشروعیت سیاسی

□ بررسی ویژگی های دولت مدرن

□ بررسی رابطه دولت مدرن و طبقات اجتماعی

□ بررسی نسبت میان دولت، رهبری جامعه و کیفیت سیاسی طبقات حاکم

□ بررسی رابطه میان دموکراسی، رهبری سیاسی و کنترل بوروکراتیک جامعه

پرسش ها

و بر چه رهیافت تحلیلی را برای فهم
امراجماعی به کار می گیرد؟

رهیافت وبر برای فهم نظم اجتماعی

- فردگرا است؛ انواع کنش های اجتماعی نقطه عزیمت تحلیلی وبر است.
- تنها یک الگوی خاص از مدرن شدن و حیات تاریخی وجود ندارد؛ تاریخ فاقد جهت گیری کلی و عام است. (رد نظریه تاریخ هگل و مارکس)
- اخلاق از عقلانیت جداست (جدایی احکام معطوف به واقع از ارزش)؛
- ارزش های هم ستیز به یکدیگر تحویل ناپذیر هستند.
- اندیشه ها مشتقات صرف منافع مادی نیستند.
- توجه به تضادهای طبقاتی اما با اهمیت کمتر؛
- مفهوم منافع تنها به منافع اقتصادی محدود نمی شود و به سایر حوزه های زندگی می بایست تسری یابد.

پرسش ها

نظریه وبر درباره انسان و اجتماع چیست؟

انسان و نظم اجتماعی

- جامعه پیامد نسبتاً بی ثبات تعامل انسانی است.
- فرد تنها واقعیت است و تحلیل باید از کنش عقلانی فرد آغاز گردد.
- جمع، فقط مجموعه ای از کنش گران منفرد و کنش هاست.
- نظریه کنش اجتماعی مبتنی بر تمایز میان « رفتار » از « کنش » است.
- رفتار: کارهایی که مردم بدون نیاز به تفکر یا با کمی تفکر انجام می دهند.
- کنش: کارهایی که مردم انجام می دهند و نتیجه فرآیندهای آگاهانه اند.
- وظیفه جامعه شناسی
 - بررسی کنش بر حسب معنای ذهنی
 - جامعه شناسی باید بیشتر توجهش را به نظم و قواعدی در کنش دو فرد یا بیش تر اختصاص دهند.
 - وبر بیشتر درباره جمع ها (کالونیست ها، سرمایه دارها و ...) سخن می گفت.

پرسش ها

**اشکال مختلف کنش اجتماعی و حیات
اجتماعی چگونه پدیدار می شود؟**

تقسیم بندی حیات بشری به ۴ سطح: پیوند میان پیکره فرد، تاریخ، جامعه و کنش

پیکره فرد	وجه غریزی و حسی	وجه عقلانی و منطقی
تاریخ	جهان عوامل غیرعقلانی عواطف، تصادف، تعارض ارزش ها	جهان عقلانی بوروکراسی، سرمایه داری
جامعه	کنش های سنتی کنش های عاطفی	کنش های عقلانی هدفمند کنش عقلانی مبتنی بر ارزش
سیاست	سیاست سنتی، کاریزما و سیاست کاریزمایی	سیاست و سلطه بوروکراتیک قانون و عقلایی

روند حاکم بر تاریخ: جدال عقلانی شدن و احساس

- ❑ تعارض میان جهان عقل (بوروکرسی و سرمایه داری) و احساس (عواطف، تصادف تعارض ارزش ها) (غیر عقلانی)
- ❑ گسترش پیچیدگی نظام اجتماعی، گسترش سازمان یافتگی، انضباط پذیری، قابلیت پیش بینی و کنترل زندگی، تسلط انسان بر محیط
- ❑ گسترش عقلانیت نهادی یا ابزاری در حوزه زندگی خارجی یا اجتماعی
- ❑ خصیصه اصلی جامعه سرمایه داری نه رابطه طبقاتی بلکه عقلانی شدن فعالیت تولیدی است

پرسش ها

نتایج عقلانی شدن و توسعه کنش عقلانی
هدفمند بر جامعه معاصر و مدرن چیست؟

MAX WEBER



IN HIS IRON CAGE

حدود و نتایج عقلانی شدن جامعه

نتایج عقلانی شدن

عقلانی شدن، موجب از خود بیگانگی و ناخرسندی فزاینده انسان می شود.

با افسون زدایی از جهان، شیرینی زندگی سنتی از میان می رود.

حدود عقلانی شدن: عاطفه تصادف و ارزش ها

با توجه به اینکه انسان موجودی عاطفی و دارای ابعاد غیر عقلانی است، بخش های عمده ای از زندگی انسان غیر عقلانی و اسیر نیروهای نامشخص عاطفی و احساسی باقی می ماند.

بخش عمده ای از زندگی انسان انضباط ناپذیر و پیش بینی ناپذیر باقی می ماند.

زندگی و ذهنی انسان همچون حوزه عقلانیت ابزاری در زندگی اجتماعی کاملاً انضباط پذیر نیست.

تصادف: برخاسته از طبیعت و یا رفتار و روابط انسان ها بر زندگی انسان تاثیر تعیین کننده ای دارد و در عین حال طبعاً انضباط ناپذیر و پیش بینی ناپذیر است. (ص ۵۸)

تعارض ارزش ها: عامل دیگر انضباط ناپذیری و غیر عقلانی شدن زندگی

تعارض میان ارزش های همانند آزادی، برابری، سعادت فردی و سعادت جمعی

عوامل
انضباط
ناپذیری
زندگی
انسان

پرسش ها

**چه نسبتی میان انواع کنش اجتماعی و
اقتدار سیاسی وجود دارد؟**

انواع اقتدار سیاسی بر حسب نوع کنش اجتماعی و شیوه توجیه

□ سیاست : رابطه حاکم و اطاعت میان بازیگران

□ سلطه سنتی

□ اگر رابطه حاکم و اطاعت بر اساس سنت ها توجیه گردد (سیادت یا سلطه یا مشروعیت سنتی)

□ سلطه کاریزمایی

□ اگر رابطه حکم و اطاعت مبتنی بر رابطه ای عاطفی و ارادت شخصی باشد (سلطه کاریزمایی)

□ سلطه عقلانی

□ سیاست و سلطه بر مبنای قوانین هنجارها عینی + کنش عقلانی (سلطه بروکراتیک)

□ ترکیب سیاست کاریزمایی و سنتی، و سیاست سنتی و بوروکراتیک ترکیب رایجی است.

سیاست و سلطه سنتی (Traditional Authority)

- رابطه حکم و اطاعت با رجوع به سنت توجیه می شود.
- وظایف و اختیارات حاکم و اطاعت کننده در چارچوب سنت ترسیم می شود.
- سیاست تا حد زیادی غیر شخصی است + حاکم نمی تواند سنت ها را نقض کند.
- نهاد مذهب، نهاد اصلی پشتیبان سنت است.
- حکومت متأثر از سیاست سنتی، میل به شخصی شدن دارد.
- در صورت شخصی شدن سلطه، سیاست مبتنی بر سنت دچار فروپاشی می گردد.
- ویژگی دستگاه دیوانی:
 - دستگاه دیوانی وابسته به خویشاوندان، خدمتگزاران و وابستگان شخص حاکم.
 - مناصب بر اساس نسبت ارادت توزیع می شود نه شایستگی و مهارت فردی
 - دستگاه منظمی نیست؛ ارتقا و ترفیع بر حسب ضوابط مشخصی صورت نمی گیرد.
 - مناصب سیاسی به طور پیش بینی ناپذیری دست به دست می شود(امنیت شغلی وجود ندارد).
 - منصب از مقام تفکیک نشده است(کارگزاران صاحبان مناصب هستند).

اقتدار قانونی (rational-legal)

- قدرت تابع مجموعه ایی از قوانین است.
- مبتنی بر سازمان های رسمی و عقلانی است.
- منظور از رسمی ← استقلال بازیگران دولتی از دیگر نظامات اجتماعی:
مذهب، قومیت، طبقه یا حزب سیاسی
- عقلانی بودن اقتدار :
- بامیزان موفقیت سازمان در تدوین و اعلام و کاربرست قواعد عمومی سنجیده میشود.
- پدیدار آمدن اقتدار قانونی حاصل :
- دگرگونی جامعه سنتی
- رشد و گسترش عقلانیت و بوروکراسی مبتنی بر هنجارهای عینی و قانونی
- حاصل پیدایش نظام حقوق عقلایی، اقتصاد پول
- توسعه امکانات ارتباطی و تحول فکر به سوی علایق دینوی در مذهب پروتستان

نتایج رویکرد عقلانی به سیاست

□ حکم و اطاعت نه براساس سنن بلکه مبتنی بر هنجارهای قانونی یعنی تفکیک وظایف است.

□ نافی حامی پروری

□ در سلطه و سیاست بوروکراتیک و عقلانی، رابطه حکم و اطاعت غیر شخصی است.

□ مهارت و کاردانی جای تعهدات سنتی و شخصی و حسب و نسب را می گیرد.

□ جدایی منصب و مقام

□ در سیاست بوروکراتیک همه صلاحیت ها و حوزه های عمل به نحوی مشخص براساس سلطه مراتب توزیع شده اند و در حدود قوانین موجود شغل و پیشه سیاسی و اداری از اهمیت برخوردار است.

□ مساعدت در ایجاد سازمان های صنفی



اقتدار فرهمند (charismatic)

تعریف وبر:

کیفیت استثنایی شخصی که به نظر می‌رسد واجد یک قدرت فوق‌طبیعی، فوق‌بشری یا دست‌کم غیرعادی است، که از گذر آن چون مرد مقتدر و سرنوشت‌ساز جلوه می‌کند و بدین دلیل، مریدان یا هوادارانی گرد او جمع می‌شوند. رهبر مدعی داشتن رسالت است.

در این الگو محور تولید قدرت، فردی است که داری ویژگی‌های استثنایی و منحصر به فرد است.

حاکمیت کاریزمایی بر مبنای عاطفه و شور و احساسات است؛ نه بر مبنای عقلانی.

رهبر کاریزماتیک:

نظم موجود در جامعه را در هم می‌شکند، نهادهای جامعه را از هم گسیخته می‌کند و یک نظم جدیدی را پایه‌گذاری می‌کند.

حدود و هنجارهای جدید را خود رهبر کاریزماتیک به موجب اقتدار شخصی که دارد، تعیین می‌کند.

این نوع از حاکمیت، از حقوق و حاکمیت حقوق، خبری نیست. زیرا:

نه نهادهای جامعه را قبول دارد و نه قوانین و مقررات وضع شده، نه راه و رسم موجود و نه راه و رسم پیشینی و گذشته جامعه را می‌پذیرد.

نسبت سیاست کاریزمایی با سیاست عقلانی و سنتی

□ تعارض با سلطه قانونی و هم با حاکمیت سنتی؛

□ زیرا این دو نوع حاکمیت دارای یک حد و مرز مشخصی هستند.

□ برهم زننده زندگی سنتی

□ برخلاف جهت نیروی عقلانیت؛

□ نیروی عقلانیت: تحول در نهادها و ترتیبات اجتماعی مقدمه تغییر در زندگی های فرد است.

□ نیروی کاریزما: نخست زندگی روحی فرد را دگرگون می کنند، آنگاه نهادهای اجتماعی متحول می شود.

□ علل پدیدار شدن کاریزما غیر عقلانی:

□ در دوره های فشار و اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پدیدار می شود.

□ در پاسخ به مسأله معناست+تلاش برای هویت بخشیدن به خویشتن

□ شخصیت های کاریزمایی در پاسخ به بحران معنا و هویت، تعاریف جدیدی از جهان و انسان (پدیدار شدن جنبش های اجتماعی) را عرضه می کنند.

سرنوشت و دستاوردهای جنبش کارizmایی

- نهادینه شدن و سازش یافتن اندیشه ها و تفاسیر جدید با مقتضیات زندگی سازمانی (باگذر زمان)
- مساله جانشینی
- تعیین جانشین توسط رهبر، سرآمدان یا واگذاری رهبری به فرزند اصلی، و ادامه الهامات رهبر اصلی ؛
- ظهور کارizmای جدید
- جذب جنبش کارizmایی در نهاد و سازمان، و تبدیل آن به جنبشی عقلانی
- دستاوردهای جنبش کارizmایی
- تجدید سنت است.
- سنت ها از طریق کارizما مجددا احیاء می شوند. (جنبش پروتستان)

پرسش ها

**شبهات ها و تفاوت های جامعه شناسی
سیاسی ماکس وبر و مارکس چیست؟**

نقادی مدل مارکسیستی

- ❑ اهمیت زیاد دادن به یک وجه واقعیت: بعد اقتصادی
- ❑ دولت مدرن زائده و بازتاب ساده فعالیت طبقه اجتماعی نیست.
- ❑ ماکس وبر بر انفصال نسبی حوزه های مختلف زندگی اجتماعی تاکید می گذاشت (ص ۵۳/ بشریه)
- ❑ دولت حاصل پیدایش یا روبنای نظام سرمایه داری نیست بلکه خود در پیدایش آن تأثیر اساسی داشته است.
- ❑ تاکید بر مفهوم قشربندی در تقابل با مفهوم یک سویه طبقه مارکسیستی

شبهات اندیشه وبر و مارکسیسم

❑ ماکس وبر نیز میان حوزه آگاهی و اندیشه یا علایق و منافع اقتصادی و سیاسی پیوند برقرار می کند.

❑ برای ایدئولوژی و توجیحات نظری ارزش قائل نیست.

❑ به نظر وبر اندیشه ها و منافع اجتماعی، رابطه اقتصادی وجود دارد نه رابطه بازتاب و انعکاسی

❑ اندیشه ها در صورتی که با علائق و منافع اجتماعی و اقتصادی آمیخته نشوند در تاریخ بی اثر خواهند بود.

❑ علاقمند به درک روابط میان حوزه ای نهادی جامعه

❑ علاقمند به پیوند های نظامی، مذهبی، سیاسی و حقوق از حیث کارکردی با نظم اقتصادی

تفاوت روش وبر از مارکس

□ ایجاد جدایی میان قدرت سیاسی و اقتصادی

□ بر عوامل سیاسی و نظامی در کنار عوامل مادی و اقتصادی در تحلیل پدیده های اجتماعی تاکید می کند.

□ تأکید ویژه بر ساختارهای سیاسی به عنوان عوامل تعیین کننده

□ سلطه بر وسایل اداره جامعه دست کم به همان اندازه سلطه بر وسایل تولید واجد اهمیت است.

□ نحوه کنترل وسایل مادی قدرت سیاسی و اداری برای درک انواع ساختار سیاسی واجد اهمیت اساسی است.

□ از این رو، دولت را در انحصار کاربرد مشروع زور در یک سرزمین معین تعریف می کند.

نخبه گرایی (Elitism) و کثرت گرایی (Pluralism)



پرسش ها

□ منشا و منبع قدرت در اجتماع چیست؟

□ قدرت در اختیار چه کسانی است؟

□ آیا صاحبان قدرت با همدیگر در ستیز هستند یا همکاری؟

برداشت نخبه گرایانه (الیتیسزم) از نظم
سیاسی و اجتماعی چه ویژگی دارد؟

نظریه الیتسم

□ در جوامع سیاسی همواره یک «الیت» یا گروه سرآمد (الیگارشی واحد) حاکم است.

□ منابع قدرت مختلف مکمل یکدیگر بوده، نهایتاً قدرت سیاسی، ثروت و شأن اجتماعی در دست گروه واحدی متمرکز می‌گردد.

□ برداشت از جامعه: تقسیم اعضای اجتماعی به ۲ گروه

□ توده‌ها

□ نخبگان

□ ویژگی توده‌ها:

□ ترجیح می‌دهند مسئولیت تصمیم‌گیری درباره مسائل عمومی و حتی مسائل مربوط به خودشان را بر سر آمدان واگذار کنند.

□ ویژگی سرآمدان (elite)

□ گروه صاحبان قدرت

□ کسانی هستند که مناصب عالی را در درون نظام سیاسی بر عهده دارند.

□ افرادی که برتر از اعضای اجتماع هستند + حتی اگر بدون قدرت سیاسی باشند.

نخبگان در جامعه مدرن از چه ویژگی
برخوردار هستند؟

ویژگی الیت در مفهوم مدرن

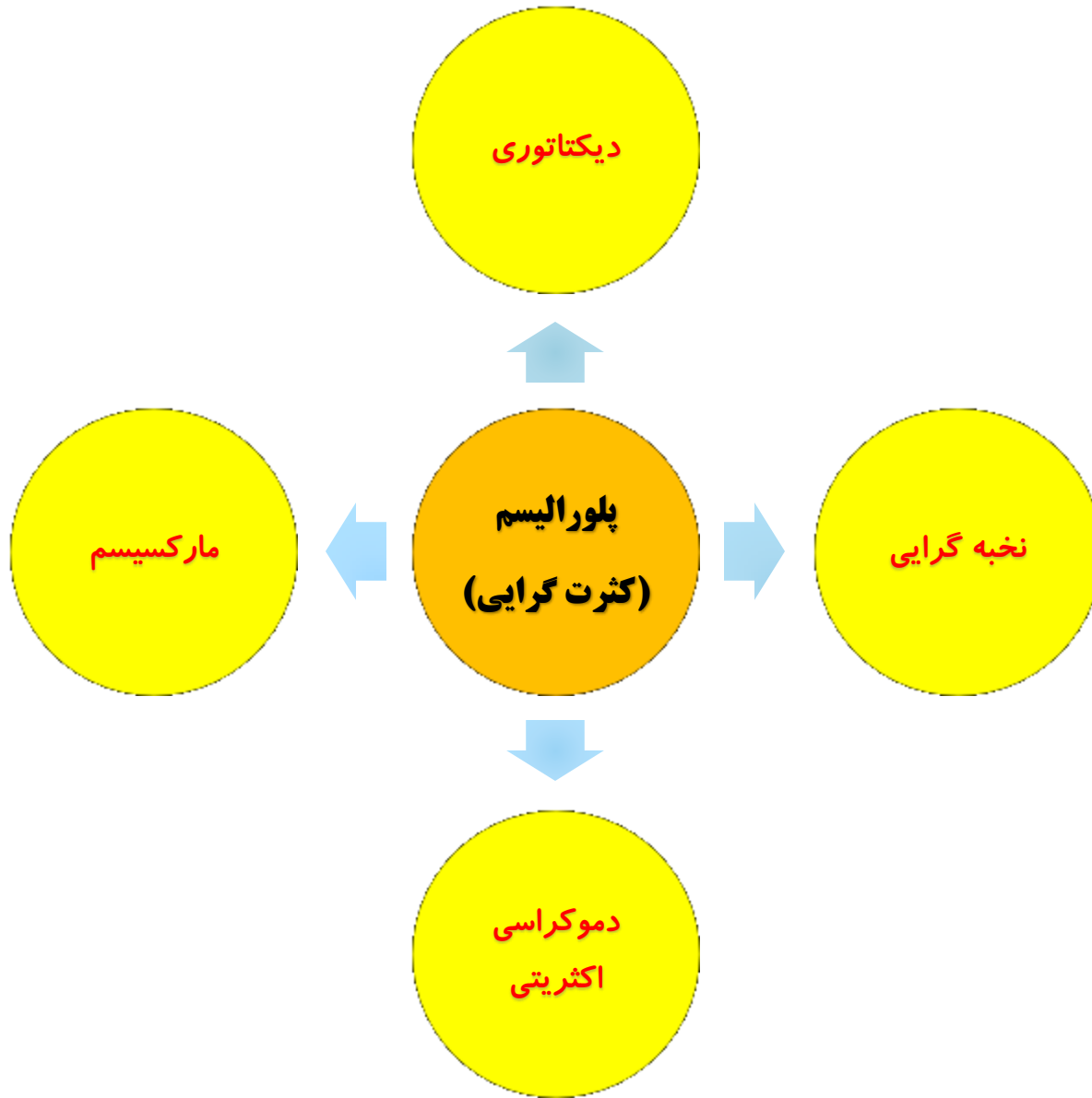
- الیت در مفهوم مدرن
- فراتر از اشرافیت موروئی
- در جامعه مدرن الیت ها با مفهوم تحرک اجتماعی پیوند خورده است.
- الیت قدرت خود از توانایی ها و دستاوردهای شخصی است نه ناشی از مالکیت
- الیت = حکومت شایستگان
- از نظر مارکس وبر تنها حکومت بوروکراتیک قانونی حکومت الیت است.
- دارندورف: الیت بر حسب کار ویژه های خاصی به ۷ نوع تقسیم می شوند.
- رهبران اقتصادی
- رهبران و برجستگان سیاسی
- برجستگان علمی
- روحانیون
- رهبران وسایل جمعی
- برجستگان ارتش
- برجستگان دستگاه قضائی

نظریه پلورالیسم درباره قدرت و نظم اجتماعی چیست؟

نظریه اصلی پلورالیسم

- قدرت سیاسی فرآیند پایان ناپذیر رقابت و سازش میان نیروهای مختلفی است که نماینده علایق و منافع اجتماعی گوناگونی مانند گروه‌های صنعتی و تجاری، جنبش‌های کارگری، گروه‌بندی‌های مذهبی و قومی و غیره هستند.
- جامعه مدرن با افزایش پیچیدگی ساختار اجتماعی و پیدایش الیت‌های مختلف قدرت تمایل به تفرق پیدا کرده است.
- در جامعه مدرن منابع قدرت متکثر شده و شامل اموری همانند ثروت، شأن اجتماعی، تحصیلات، اطلاعات و غیره می‌شود.

**وجه تمایز برداشت پلورالیستی از قدرت با
برداشت سایر الگوهای نظری چیست؟**



تعارض پلورالیسم با سایر رویکردها: مارکسیسم، نخبه گرایی، دموکراسی اکثریتی و دیکتاتوری

□ بر خلاف مارکسیسم، بر تعدد مراکز قدرت اجتماعی و تنوع منابع قدرت تأکید می گذارند.

□ برخلاف نخبه گرایی، باور به وجود قدرت واحد یا (الیت) نیست.

□ برخلاف دموکراسی اکثریتی، دموکراسی، نه مشارکت توده مردم، بلکه تنها تعداد گروه های قدرت و احتمال دست به دست شدن قدرت سیاسی میان آنهاست.

□ دیکتاتوری، سلطه گروه قدرت واحد است، که با انحصار قدرت نظامی اعمال می شود. (در مقابل بر تنوع و تکثر منابع قدرت معتقد است.)

نظريه اليتيسم پاره تو (Pareto)
(1848-1923)

کلیات نظریه الیتسم پاره تو

□ تحت تاثیر رویکردی اثبات گرایانه

□ در نظر داشت یک نظام جامعه شناختی بسازد که مختصات اصلی اش با نظام فیزیکی - شیمیایی «ویلارد گیبز» در کتاب «ترمودینامیک» قابل مقایسه باشد.

□ برداشت فیزیکی - شیمیایی از نظام اجتماعی ؛ مولکول های این نظام را افراد بشر با علایق ، انگیزه ها و احساساتشان می سازند.

□ روش جامعه شناختی: وظیفه ما طبقه بندی عناصر سازنده کنش های انسانی و نه خود کنش هایی که عینا در میان مردم می یابیم، است.

پاره تو چه دریافتی از انسان و رفتارهای
اجتماعی عرضه می کند؟

انسان و رفتار اجتماعی

رد نگاه عقلانی به رفتارهای اجتماعی، جامعه و تاریخ

انسان پدیداری دو سطحی:

یکی رفتار عقلانی مبتنی بر علم و منطق و دیگری، رفتار غیرعقلانی

انسان ها غالبا منطقی عمل نمی کنند اما به منطقی جلوه دادن رفتارشان سخت گرایش دارند.

پشت هر عمل و رفتاری، احساسی نهفته است.

انسان موجودی غیرعقلانی و واجد ذخایر عظیم غریزی و احساسی

احساس و غریزه در نظریه پاره تو همپایه زیربنای اقتصادی در نظریات مارکسیستی

اعمال ما نه حاصل اعتقادات بلکه ریشه گرفته احساسات و غرایز بنیادی بشر است.

وجه غیر عقلانی، خصلت پایدار زندگی بشر؛

تنها الیت ها، براساس حسابگری منافع خود را به صورتی عقلانی می اندیشند و عمل می کنند.

حوزه عقل تنها محدود به : اقتصاد و علم

آن کنش هایی منطقی هستند که « وسایلی متناسب با اهداف را به کار برند و وسایل کار آن ها

با هدف های مورد نظرشان پیوندی منطقی داشته باشد.

از نظر پاره تو،
عناصر هدایت کننده رفتار انسانی کدامند؟

نمودار روابط میان مفاهیم اصلی نظریه پاره تو



عناصر هدایت کننده رفتار انسانی: غرایز، ته نشست ها و مشتقات

وضع روانی انسان:

رفتار انسان ها عمدتاً غیر عقلانی و تحت تاثیر ذخایر ثابت یا «ته نشست ها» است.

پاره تو، مظاهر این ذخایر ثابت یا ته نشست ها را «مشتقات» می نامد.

تنها مظاهر ذخایر ثابت یعنی مشتقات تغییر می کند.

ته نشست ها (بازمانده ها) (residue /'rez.ə.du:/)

ته نشست ها، تجلیات احساسات یا چیزهایی ملازم با آن ها هستند نه خود احساسات.

ته نشست ها حد فاصل احساسات غیر قابل شناخت و نظام های اعتقادی و اعمال قابل شناخت است.

مشتقات (derivation /,der.ɪ'veɪ.jə.n/)

زمانی پدیدار می شوند که توجیهی استدلالی و عقیدتی در کار باشد.

دستگاه های فکری توجیه کننده هستند، که بر غرایز سرپوش می گذارند.

بشر موجودی نابخرد اما استدلال گر است.

انسان به ندرت به نحوی منطقی رفتار می کند، اما دلش می خواهد که رفتاری منطقی داشته باشد.

انسان از طریق مشتقات، رفتارهای فاقد عقلانیت خود را ظاهری عقلانی می بخشد.

عناصر هدایت کننده رفتار انسانی: شش گونه ذخیره ثابت

❑ ذخیره ثابت «ترکیبات»

- ❑ توانائی تفکر، خلاقیت و ابتکار
- ❑ در میان الیت های علمی، اقتصادی و سیاسی و نظامی رشد می کند ولی بین توده ها گسترش نمی یابد.

❑ ذخیره ثابت «تداوم مجموعه ها»

- ❑ یعنی عادات، رسوم و سنن و عقاید (فرهنگ)
- ❑ ویژگی توده ها
- ❑ غیرعقلانی + مبتنی بر ایمان و اعتقاد
- ❑ عامل تداوم و همبستگی اجتماعی

❑ غریزه یا نیاز ابراز احساسات از طریق اعمال آشکار و مراسم

- ❑ در همه جوامع وجود دارد.
- ❑ نمایش های و اعمال جمعی .

❑ غریزه اجتماعی بودن

- ❑ مربوط به زندگی مدنی
- ❑ حاصل احساس نیاز به تقلید و همگونی با دیگران

❑ غریزه همبستگی فردی و احساس داشتن متعلقات (احساس مالکیت)

❑ غریزه جنسی (کاملاً زیستی است).

نمودار روابط میان مفاهیم اصلی نظریه پاره تو



نخبگان از نظر پاره تو به چند دسته تقسیم
می شوند؟

تعریف نخبه و انواع نخبگان

تعریف نخبه

انسان ها از نظر فکری و اخلاقی با یکدیگر برابر نیستند.

شایسته ترین افراد یک گروه نخبه را می سازد.

نخبگان کسانی هستند که در هر یک از شاخه های فعالیت بشری بالاترین نمره را به دست آورده باشند.

در جوامع دو گونه نخبه وجود دارد: شیر و روباه

روباهان متاثر از ته نشست تلفیق یا ترکیبات هستند.

شیران متاثر از ته نشست تداوم مجموعه ها یا ابقاء هستند.

ویژگی های نخبگان: روباهان و شیران

نخبگان متأثر از ته نشست تلفیق (روباهان)

انسان ها را به نظام سازی یعنی به ساختن ترکیب های فکری منطقی نما وا می دارند.

ته نشست تلفیق یا ترکیبات سیاست مدران را بر می انگیزد تا نیروهای شان را درهم آمیزند و با یکدیگر معامله سیاسی کنند و یا امپراطوری های سیاسی برپا نمایند.

مانند روباهان ماکیاولی هستند که قادرند به تجربه های تازه دست زنند، ابداع کنند و از عرف فراتر روند.

نخبگان متأثر از ته نشست تداوم مجموعه ها (ابقاء) (شیران)

نیروهای محافظه کارانه ایستایی اجتماعی که تحت تاثیر ته نشست تداوم مجموعه ها است.

این افراد به خانواده، میهن پرستی و شور مذهبی خودشان و ملت شان احساس وفاداری می کنند.

در صورت لزوم از کاربرد زور هراسی ندارند.

اعتقاد به پیشرفت و تکامل، بی معنی است.

جامعه بشری در حرکت دوری از فرمانروایی روباهان به حکومت شیران است.

یک طبقه حاکم نمونه آمیزه متناسبی از شیران و روباهان ترکیب می شود.

نظریه گردش نخبگان پاره تو را توضیح
دهید؟



نظریه نخبگان و چرخش آن

□ دو نوع نخبه : نخبگان حکومتی و غیرحکومتی

□ چرخش نخبگان

□ اگر نخبگان حکومتی، مانع بالا آمدن نخبگان غیرحکومتی شوند، در پیکره جامعه عدم تعادل پیش می آید.

□ این عدم تعادل به دو شیوه رفع می شود:

□ بازکردن روزنه های تازه در مسیرهای تحرک اجتماعی در سیستم سیاسی

□ براندازی خشونت آمیز نخبگان حکومتی قدیمی و جایگزینی نخبگان شایسته تر برای حکومت کردن

نقد پاره تو

- ویژگی های روان - زیستی به عنوان معیار تشخیص الیت از توده به کار برده می شود.
- میان الیت و ساخت اقتصادی-اجتماعی ارتباط ضروری وجود ندارد؛ زندگی سیاسی رویهمرفته از زندگی اجتماعی و اقتصادی مستقل است.
- عدم توجه به رابطه قدرت سیاسی با ساخت اقتصادی و جامعه
- چرا در هر جامعه سیاسی همواره تنها یک الیت حاکم است؟

کثرت گرایی (پلورالیسم) سیاسی

پرسش ها

□ منشا و منبع قدرت در اجتماع چیست؟

□ قدرت در اختیار چه کسانی است؟

□ آیا صاحبان قدرت با همدیگر در ستیز هستند یا همکاری؟

دریافت کثرت گرایان از قدرت

تعریف قدرت رابرت دال:

منظور از قدرت رابطه ای آگاهانه و اندیشیده شده است که در آن یک طرف می تواند عملی را به شیوه ای انجام دهد که واکنش های طرف دیگر را کنترل کند.

تحت تاثیر دریافت وبری از قدرت

تعریف وبر: احتمال اعمال اراده فرد یا گروهی از افراد در طی یک عمل جمعی علی رغم مقاومت دیگران است.

مطالعات تجربی حاکی از آن است که:

در هر اجتماعی: با کثرت گروه های قدرت مواجه هستیم.

تنوع این گروه ها، با میزان توسعه اقتصادی، صنعتی و تنوع ساختاری جامعه در ارتباط است.

تکثر قدرت ریشه در تعدد و تنوع منابع قدرت سیاسی دارد.

صنعتی شدن به تکثر منابع قدرت می انجامد.

گروه های برخوردار از منابع قدرت به شیوه های گوناگونی در زمینه اتخاذ تصمیمات و سیاست ها در جهت منافع شان به حکومت فشار وارد می کنند.

کثرت گروه های قدرت

هم امری مطلوب است و هم لازمه دموکراسی است.

هم امری واقعی است و هم مبین نحوه توزیع قدرت در جوامع دموکراتیک است.

الگوی تکثر منابع و گروه‌های قدرت

□ علل کثرت قدرت در جامعه

□ طبع انسان

□ توزیع نابرابر مالکیت در میان مردم

□ وجود شکاف‌های مختلف: طبقه، مذهب، نژاد، قوم، علایق محلی (پیدایش گروه‌های فشار، انجمن‌ها، نهادها و ...)

□ قدرت اجتماعی در جامعه مدرن تمایل به تفرق دارد و منابع آن متعدد و متکثر است و مقولاتی چون ثروت، حیثیت اجتماعی، نفوذ مذهبی، تحصیلات، اطلاعات، کنترل بر وسایل ارتباطی و ... را در بر می‌گیرد.

الگوی تکثر منابع و گروه‌های قدرت

□ رابطه دولت و گروه‌ها: عدم استقلال دولت

□ دولت در مقابل گروه‌های اجتماعی استقلال ندارد؛

□ دولت عرصه نفوذ و رقابت گروه‌های قدرت متنوع و گوناگونی است که در جامعه پراکنده اند.

□ سیاست دولتی حاصل جمع و تلفیق علایق گروه‌های متنوع رقیب است.

□ رقابت میان علائق و منافع گروه‌های سازمان یافته تعیین کننده خصلت و نتایج سیاست گذاری دولتی است.

□ نظام دموکراسی ما بین حاکمیت یک گروه و دموکراسی یا پولیارشی (polyarchy) است.

انواع سیاست و جامعه: تاثیر آزادی رقابت بر ماهیت جوامع سیاسی

□ نگرش بازاری به حوزه سیاست:

□ محل رقابت گروه ها؛

□ سیاست ما بین رقابت کامل بازار و انحصار کامل

□ در جامعه آزاد:

□ سیاست میل به نهادمندی دارد.

□ وقتی رقابت میان الیت ها آزاد باشد، (وضعیت پولیارشی) دولت به صورت عرصه رقابت و منازعه و سازش میان آنها ظاهر می شود.

□ گروه های واسط یا الیت های مختلف از طریق سازمان های خود نظرات بخش های گوناگون جامعه را منعکس می کنند و بدین سان، سیاست گروهی مانع « توده ای » شدن زندگی سیاسی می گردد.

□ در جامعه غیر آزاد:

□ محدود بودن رقابت الیت ها

□ در صورت حرکت سیاست به سمت انحصار، سیاست خصلتی توده ای و پوپولیستی می یابد.

□ الیت ها برای رفع موانع رقابت سیاسی و برای رقابت با الیت حاکم، به بسیج منابع و توده ها می پردازند.

انواع سیاست و جامعه : تاثیر آزادی رقابت بر ماهیت جوامع سیاسی

□ تقابل ۴ نوع جامعه از حیث رابطه نخبگان و توده ها، وسایل نیل به مناصب الیت و امکان بسیج توده ها

□ جامعه سنتی:

□ امکان پیوستن به الیت حاکم منتفی است.

□ در عین حال، توده ها غیر قابل بسیج هستند.

□ حاکمیت روابط سنتی و مستحکم خانوادگی و قبیله ای ؛

□ فقدان تحرک اجتماعی

□ جامعه تکثرگرا:

□ امکان ورود به طبقه الیت وجود دارد.

□ امکان بسیج توده ها وجود ندارد، زیرا که مردم در درون سازمان ها و نهادهای مدنی تشکل یافته اند و از

دسترس مستقیم الیت به دورند.

□ جامعه توده ای:

□ امکان ورود به درون مناصب الیت هم برای دیگران وجود دارد.

□ امکان بسیج مردم وجود دارد.

□ جامعه توتالیتر:

□ بسته و دور از دسترس است. امکان نفوذ به مناصب الیت ها وجود ندارد.

□ درجه بالایی از امکان بسیج توده های گسسته و پراکنده وجود دارد.

نقد ها به نظریه پلورالیسم

❑ مشارکت گروهی در سیاست را جانشین مشارکت فردی نموده است.

❑ نگرش محدود به قدرت

❑ در این نگرش، قدرت زمانی پدیدار می شود که تصمیمی گرفته شود یا ابزاری به کار برده شود.

❑ قدرت پدیداری پیچیده و چند بعدی است.

❑ نادیده گرفتن ساختارها و فرهنگ

❑ وقتی یک گروه اجتماعی ارزش های سیاسی و اجتماعی و نیز قوانین و نهادهایی ایجاد می کند که

حوزه تصمیم گیری سیاسی را به مسایل مورد علاقه آن گروه محدود می سازد، در آن صورت بدون اعمال قدرت ابزاری، اجبار پیشاپیش در درون ساخت جامعه تعبیه شده است.

❑ وابستگی نظام سیاسی به یک گروه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر موقعیت ساختاری و فرهنگی گروه هاست.

❑ کثرت در جامعه و نابرابری اجتماعی

❑ بی توجهی به ساختارها، باعث غفلت از جایگاه نابرابری طبقات و گروه های اجتماعی

❑ کثرت در قدرت سیاسی به معنای توجه حکومت به منافع همه گروه ها بطور برابر نیست.

❑ ثبات و مشروعیت حکومت و توسعه اقتصادی منوط به تضمین منافع بعضی گروه ها و علایق اقتصادی است.

❑ شمار زیاد گروه ها به معنای پراکندگی قدرت سیاسی نیست.

الگوی فرعی کثرت گرایی: کورپرتیسم (corporatism)

اصل:

هماهنگی و وحدت طبقاتی لازمه تدوام جامعه است.

شرط هماهنگی:

طبقات اجتماعی و به ویژه سازمان های طبقاتی سرمایه و کار از حقوق و وظایف خود نسبت به یکدیگر آگاه باشند.

ماهیت و ساخت دولت رفاهی مدرن: تلفیق منابع متضاد

مبتنی بر تعدیل و تعادل علایق طبقات و نیروهای مختلف اجتماعی

توجه به منافع گروه های مختلف؛ جمع و تلفیق و تعدیل آنها به منظور حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی و نیز ایجاد حداقلی از عدالت در درون بافت اجتماعی

تکثر قدرت وجود ندارد:

بلکه نیروهای اجتماعی و طبقاتی مشخصی وجود دارند که بر قدرت دولتی اثر می گذارند.

تلفیق علایق و منافع گوناگون در درون چارچوب های قدرت

کورِ پِرتِیسَم : تحت تاثیر مارکس و دال

تحت تاثیر مارکس:

مفهوم منازعه طبقاتی

رابت دال:

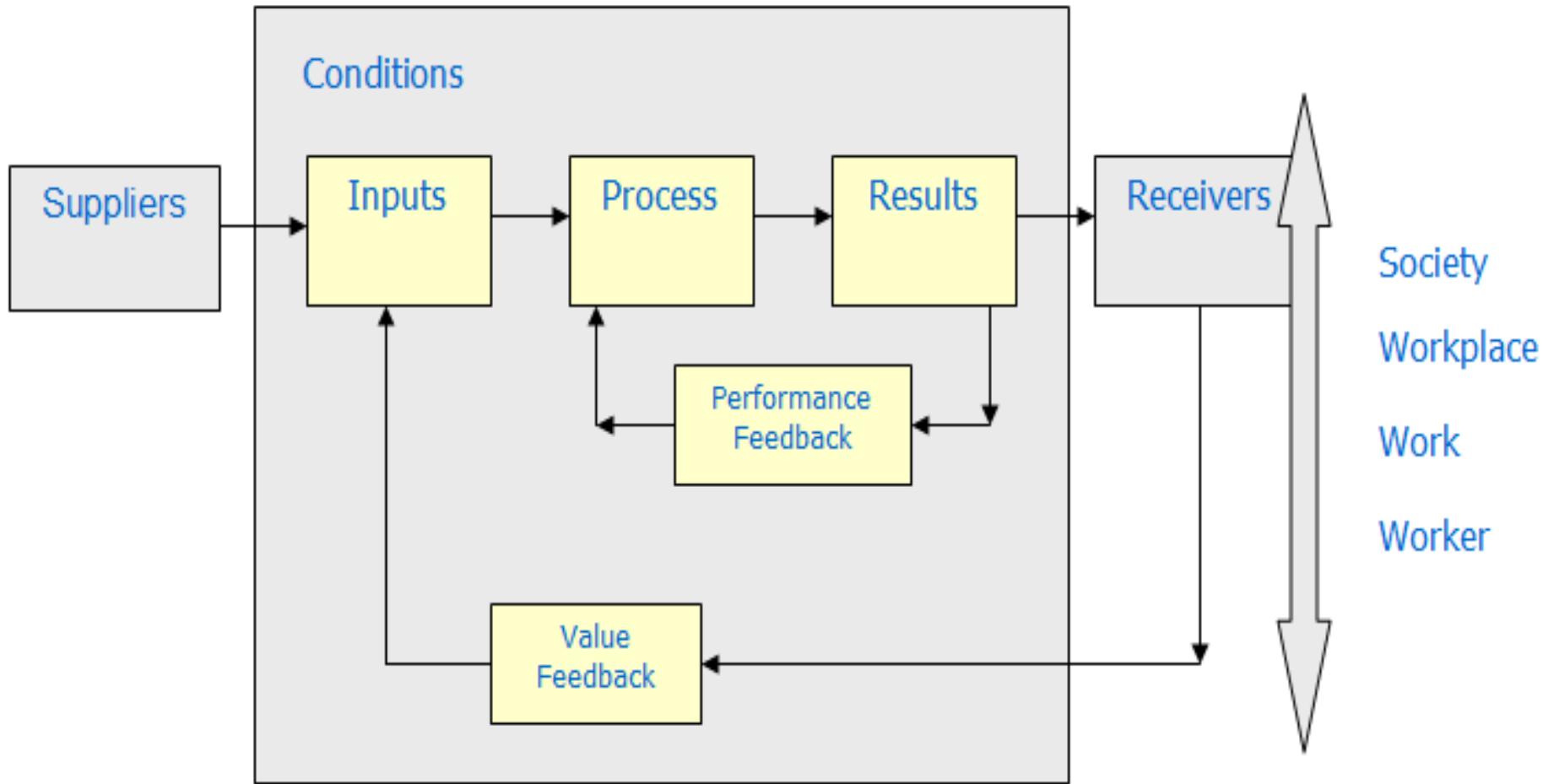
سیاست گذاری دولتی همواره حاصل دعاوی متعارض و رقابت گروه ها و منافع اجتماعی است.

رقابت میان علائق و منافع گوناگون اقتصادی و اجتماعی موجب اتخاذ سیاست های متعادل می شود.

کارکردگرایی

System Model

Culture



سوال ها

- جامعه از چه نهادها و بخش هایی (خرد نظام ها) تشکیل شده است؟
- این بخش ها و نهادها از چه کارکردهایی برخوردار هستند؟
- هدف غایی این کارکردها چیست؟
- میان این بخش ها و نهادها چگونه هماهنگی ایجاد می شود؟

چیستی کارکردگرایی

کارکرد گرایی، نظریه ای است که:

کل جامعه را همانند سیستمی مرکب از بخش های مختلف می داند که هریک وظایف خاص خود را انجام می دهند؛

بین اجزای سیستم روابط مکمل و متقابل وجود دارد که غایت آن حفظ تعادل و توازن سیستم است.

کارکرد گرایان به طور کلی جامعه را نظامی واجد نظم و ترتیب می دانند.

در دیدگاه عمومی کارکرد گرایی، جامعه یک ارگان زیستی بزرگ است.

اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می دهند که مکمل کار و وظیفه سایر اعضا و اندام برای حفظ کل بدن و کلیت نظام است.

هر کل مرکب از اجزائی است که به نحو خاصی با هم ترکیب شده اند و حتی اگر دو بخش یعنی اجزاء و کل دچار تغییر و دگرگونی هم شوند باز هم به حفظ و ثبات کل کمک می کنند.

عناصر نظریه : کارکرد، سیستم و ارگانسیم

کارکرد (فونکسیون Function)

مجموعه فعالیت هایی است که برای برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام(سیستم) انجام می گیرد.

سیستم (نظام / سامانه System)

مجموعه از اجزای همبسته است که در درون محیط خاصی عمل می کند و با آن محیط روابط متقابل دارد.

مجموعه یا گروهی از اشیا مرتبط است که هدف یا اهداف خاصی را دنبال می کنند، به گونه ای که واحدی پیچیده و هماهنگ را تشکیل می دهند.

ارگانسیم:

یک سیستم زنده و پیچیده از اعضا است که با تأثیرشان بر یکدیگر، امکان سازگاری با محیط و تضمین بقا و پایداری کل آن موجود زنده را فراهم می کند.

مفروضات نظریه کارکردگرایی: تقدم نظام اجتماعی بر فرد

□ کل بر جزء مقدم است؛

□ هر کل مرکب از اجزائی است که به نحو خاصی با هم ترکیب شده اند و حتی اگر دو بخش یعنی اجزاء و کل دچار تغییر و دگرگونی هم شوند بازهم به حفظ و ثبات کل کمک می کند

□ تقدم جامعه بر فرد؛ فرد با روابط و مناسبات اجتماعی اش و نیز با ارزش ها، هنجارها، قواعد و باورهای معتبرش شناخته می شود.

□ فرد کنش گر، پدیداری دارای عقلانیت معطوف به هدف - وسیله است که در چارچوب نظام هنجاری و سیستم اجتماعی، کنش خود را به انجام می رساند.

مفروضات نظریه کارکردگرایی: نظام اجتماعی به مثابه سیستم

- بهترین شیوه درک کل واقعیت اجتماعی، ادراک آن به مثابه سیستم است.
- هدف سیستم اجتماعی، حفظ همبستگی اجتماعی است.
- هر سیستم اجتماعی از چندین سیستم فرعی تشکیل شده است.
- نظام سیاسی، سیستمی فرعی از نظام اجتماعی است.

سیستم اجتماعی

□ نظام هنجاری جامعه (یا سیستم اجتماعی) ۴ کارکرد اساسی را به انجام می رساند.

□ کارکرد سیستم اجتماعی

□ سازگاری یابی (A)

□ هدف یابی (G)

□ یکپارچگی (I)

□ حفظ الگوی کلی روابط (L)

A. سازگاریابی

G. دست یابی به هدف

سیاسی	اقتصادی
آموزشی، مذهبی، خانوادگی	حقوقی (قانون)

I. یکپارچگی

L. حفاظت از الگوها یا مدیریت تنش

تعریف کارکردهای ۴ گانه پارسونز

□ (A) سازگاریابی (adaptation)

□ وظیفه حوزه نهاده های اقتصادی

□ تامین منابع کافی از محیط پیرامون و توزیع آن ها در کل سیستم است.

□ (G) دست یابی به هدف (Goal attainment)

□ وظیفه نهاد سیاست

□ بسیج منابع و امکانات برای دستیابی به اهداف جمعی (سیستم)

تعریف کارکردهای ۴ گانه پارسونز

□ (I) یکپارچگی: (Integration)

- ایجاد همبستگی و حل منازعه
- وظیفه نهاد حقوقی: دادگاه ها و..
- از نیاز به قانونمند سازی روابط میان کنش گران و اجزای هنجارها یا قوانین بر می خیزد

□ (L) حفاظت از الگو: (Latent pattern maintenance)

- نهادهای آموزشی و تربیتی
- جامعه پذیری و انتقال هنجارها و ارزش ها به نسل های مختلف

هدف سیستم اجتماعی

□ هدف نهایی کارکردهای اساسی سیستم اجتماعی: رسیدن به توازن اجتماعی

□ توازن اجتماعی:

□ حیات اجتماعی میل به حفظ و یکپارچگی در انجام وظایف اجزای فرد دارد. به طوری که هر گونه تغییر در بخش هایی از سیستم اجتماعی به تغییرات مناسب در سایر بخش های جامعه می انجامد که باعث حفظ تناسب و بقای سیستم می گردد.

□ عوامل موثر بر همبستگی و استمرار نظام اجتماعی:

□ ارزش ها: عنصر اخلاقی و فرهنگی نظام جامعه

□ هنجارها: تحت تأثیر ارزش ها؛ نظام حقوقی جامعه

□ نهادها: تبلور ارزش ها و هنجارها در موسسات اجتماعی

□ نقش ها: مجموعه کار ویژه ها در درون هر نظام اجتماعی که در عمل ارزش ها و هنجارها را در درون

نهادها اعمال می کنند.

کارویژه های نظام سیاسی

□ مهمترین فرآیند

□ قدرت = همانند پول در اقتصاد

□ توانائی کلی نظام سیاسی برای بسیج منابع در جهت نیل به اهداف نظام اجتماعی

□ کار ویژه های نظام سیاست:

□ استخدام کارگزاران نقش های سیاسی

□ استخراج، بسیج و توزیع منابع

□ شناسایی و تلفیق منابع اجتماعی گوناگون

□ تامین شبکه ارتباطات سیاسی

□ وضع و اجرای هنجارهای سیاسی

□ انجام وظایف داوری مربوط به اجرای هنجارها

تبادل و تغییرات اجتماعی

□ شرط حفظ تبادل نظام اجتماعی :

□ انجام کار ویژه ها به خوبی توسط سیستم های اجتماعی

□ عدم ناهماهنگی میان حوزه های اصلی نظام اجتماعی

□ تحول زود هنگام در هر بخش فرعی (ایجاد عدم تبادل)

□ سه گونه دگرگونی: دوری، خطی و ساختاری

□ دگرگونی های دوری و تکرارپذیر : حاصل از بحران های ادواری اقتصاد

□ رشد خطی: رشد کمی در هر یک از حوزه های اجتماعی = افزایش قدرت جامعه + افزایش دانش

فنی + افزایش مشارکت در سیاست

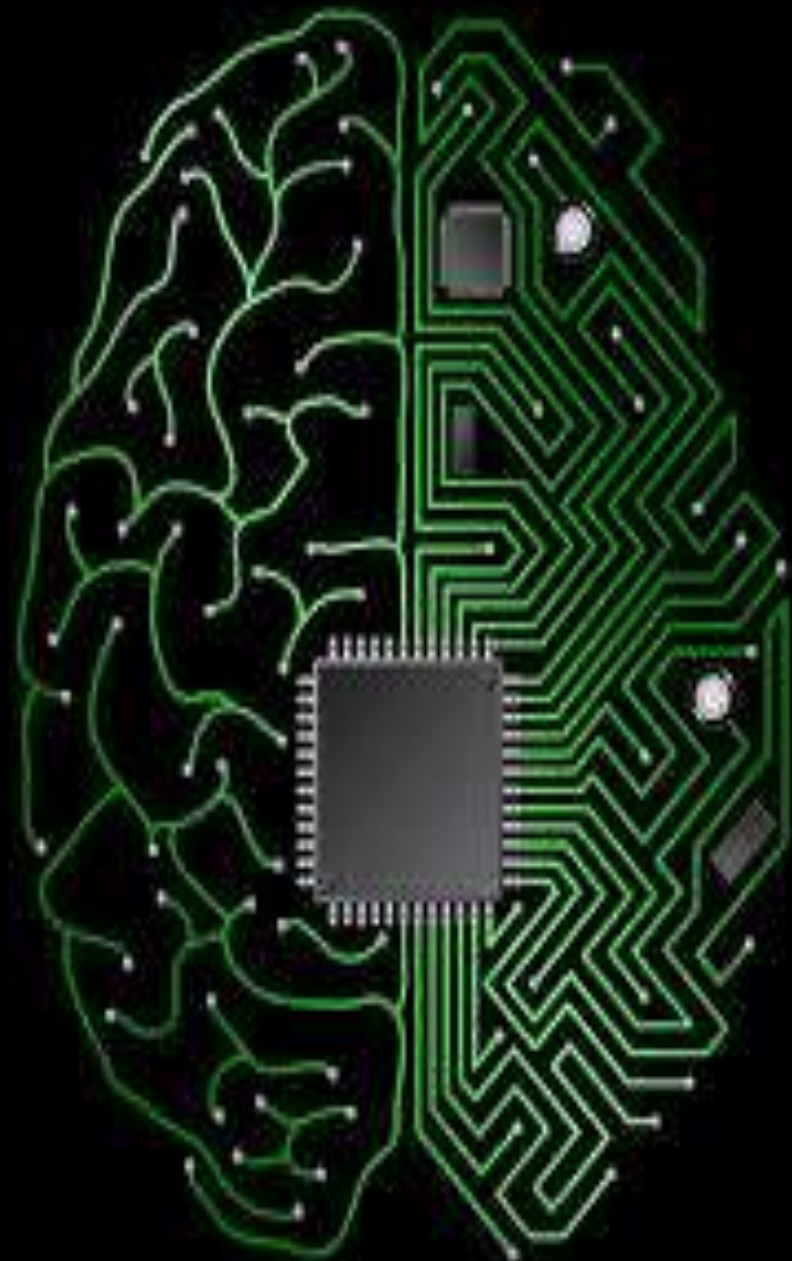
□ دگرگونی ساختاری : تحول کیفی در ساختارهای مختلف (خانواده، شیوه تولید و ...)

□ منطق تغییرات ساختاری:

□ گذار از همبستگی و انسجام ساختاری به انفکاک و پیچیدگی ساختاری

□ آنگاه پیدایش تنش و فشار

□ و در نتیجه، رسیدن به سطح بالاتری از همبستگی اجتماعی



سایبرنتیکی

1. موضوع: بررسی ماهیت کنترل در انسان، حیوان و ماشین است.
2. مرتبط با زیست شناسی، روانشناسی، مکانیک، مهندسی، مدیریت و بسیاری از علوم نیز است.
3. کاربرد قوانین طبیعی مرتبط با کنترل موجود در طبیعت در محیط سازمانی
4. دانش میان رشته ای
 - کنترل واقعاً چه معنایی دارد؟
 - ماهیت متمایز کنترل در دستگاه جزئی از کل یک نظام با دهها متغییر غیر قابل کنترل
5. ریشه کلمه سایبرنتیک (cyBernetes)
 - از یونانی معادل سکان داری (RuBERnetes)
 - در لاتین تبدیل به GuBernator
 - در انگلیسی شد Governor (حاکم)
 - در حوزه مدیریت که معادل (Governance)

نظریه سبیرنتیکی دوچ

- تمایز نظام های سیاسی از نظام های مکانیکی
- سیستم سیاسی مشابه، سیستم های واجد آگاهی، خاطره و اطلاعات
- سیستم های سبیرنتیکی : تا حدی همانند مغز انسان دارای اطلاعات و توانایی کنترل درونی
- سیستم های سیاسی پیام های دریافت می کنند و آنها را تعبیر و تنظیم می نماید و برپایه آن تصمیم می گیرد.
- اساس سیستم = اطلاعات: ارتباط و کنترل و تصمیم گیری براساس اطلاعات صورت می گیرد.
- قدرت سیاسی = کنترل بر اطلاعات
- انواع اطلاعات مورد نیاز نظام سیاسی جهت تداوم
 - اطلاعات درباره جهان خارج
 - اطلاعات درباره گذشته = حافظه و خاطره
 - اطلاعات در مورد اجزا و عملکرد خودش